



مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

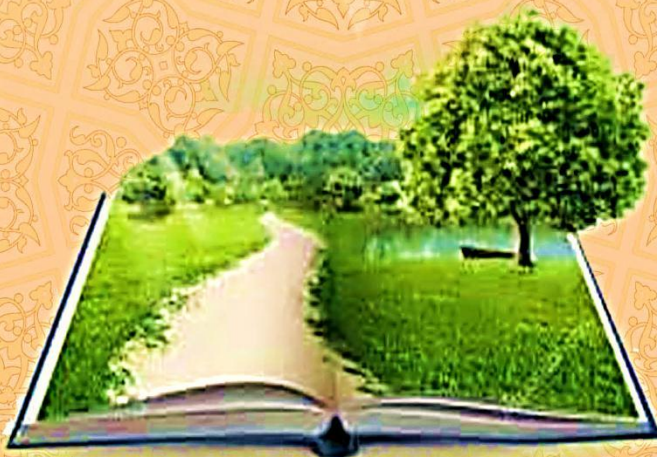
حوزه علمیه الزهرا علیها السلام - شیراز

معاونت پژوهش

روشنایان

آنچه در این شماره می خوانید ...

- ◀ چند نکته در باب اخلاق پژوهشگری
- ◀ تأثیر نماز بر کاهش آسیب های روحی و جسمی
- ◀ نقش دین در کاهش اضطراب و نگرانی
- ◀ چگونگی قیام حزه و موضع امام سجاد علیه السلام در برابر آن
- ◀ تحلیل نگاه قرآن به حیوانات
- ◀ معرفی برخی سایت ها و وبلاگ های پژوهشی



❖ شماره ۴، زمستان ۹۶ ❖

الحمد لله





مقام معظم رهبری دامَظَلَنَ

یکی از موارد مهمی که باید در بحث تحول نظام آموزشی مد نظر
قرار بگیرد، حذف فرهنگ حفظ محوری و تقویت روحیه تحقیق و
تعمیق در علم و دانش است.

(دیدار با برجستگان و نخبگان علم، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳)

پژوهشنامه تسنیم

شماره ۴، زمستان ۹۶

فهرست مطالب

- چند نکته در باب اخلاق پژوهشگری ۲
- تأثیر نماز بر کاهش آسیب‌های روحی و جسمی ۴
- نقش دین در کاهش اضطراب و نگرانی ۸
- چگونگی قیام حرّه و موضع امام سجاد (علیه السلام) در برابر آن ۱۲
- تحلیل نگاه قرآن به حیوانات ۱۹
- اخبار و امکانات پژوهشی حوزه علمیه الزهرا (علیها السلام) ۲۷
- معرفی برخی سایت‌ها و وبلاگ‌های پژوهشی ۲۹

تهیه و تنظیم: واحد پژوهش حوزه علمیه الزهرا (علیها السلام)

مدیرمسئول: زهرا احمدی

سر دبیر: نجمه رضوی

هیئت تحریریه: مریم ابراهیمی، مرضیه حسن پور،

فاطمه هاشمی

صفحه آرایی و تایپ: رویا رضایی، شیما راستیان

سخن سردیر



به نام یگانه هستی بخش
انک که به بین تو جهات خداوند متعال و ائمه معصومین (علیهم السلام)، چهارمین شماره‌ی گاهنامه پژوهشی
تنسیم به زیور طبع آراسته می‌شود، سجده شکر بر آستان ربوبی خداوند می‌سایم و دستان همه کسانی که به نحوی
دستی بر آتش این گاهنامه داشتند را به گرمی فشرده و برایشان از خداوند طلب توفیقات روز افزون می‌کنیم.
آری اسال نیز به رسم هر سال، گاهنامه تنسیم به معرفی بهترین مقالات طلاب مدرسه علمیه الزهراء (علیها السلام) خواهد
پرداخت که در لوای آن مطالب به روز و اخبار پژوهش هم به اطلاع خوانندگان محترم خواهد رسید. معرفی و چاپ
چند مقاله برتر طلاب، کلامی در مورد اخلاق ناب پژوهشگری، اخبار و فعالیت های پژوهشی حوزه علمیه الزهراء (علیها السلام)
از جمله مهم ترین مطالب این شماره‌ی گاهنامه خواهد بود.
البته از آنجا که هیچ نوشته بشری، به دلیل محدودیت قوای عقلانی و روحانی کامل و بی نقص نبوده و نخواهد بود، مسلماً این
گاهنامه هم اشکالاتی خواهد داشت که عنایات و پیشنهادات شما باعث کم شدن این ایرادات و وزین تر شدن آن
خواهد شد؛ پس آغوش خود را جهت به گوش جان شنیدن نظرات شما بزرگواران، باز کرده و مشتاقانه منظریم.

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ إِلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

چند نکته در باب اخلاق پژوهشگری

دوستان عزیز سلام

حتماً سخن در مورد اهمیت و جایگاه پژوهش و به ویژه ضرورت پژوهش دینی را زیاد شنیده‌اید و به فراخور تحقیقات درسی و مسابقات الزامی و غیر الزامی، تحقیقاتی هر چند کوچک را نوشته‌اید، اما تاکنون به این نکته هم فکر کرده‌اید که آیا در پژوهشگری هم اخلاق وجود دارد و باید اخلاق و ادب پژوهشگری را هم آموخت؟ از این باب نکات مهم و جالبی که در مورد اخلاق پژوهشگری آمده است را به اختصار خدمتتان عرض می‌کنم.

۱. پاکی دل و جان

پژوهشگر دینی باید بیش از دیگران به این باور برسد که حضور در باغ دانایی و دسترسی به حقایق، جز با پاکی دل ممکن نیست. هر چه پژوهشگر غرائز خود را با دقت و رقت بیشتری کنترل کند، دریافت‌های ذهنی و قلبی او، دقیق‌تر و رقیق‌تر خواهد بود. «... وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمُكُمُ اللَّهُ...» از خدا پرهیزید، خدا شما را تعلیم می‌دهد...» (سوره بقره، آیه ۲۸۲)

۲. تحمل نظر مخالف

باید دانست که نظر مخالف مانند باد مخالف در دریا می‌ماند، پس ایستادن در عرصه کشتی و بد گفتن از باد مخالف تدبیر نیست و هیچ‌گاه پژوهشگر خودباور و خودساخته، خودباوری تازه واردها را مچاله نمی‌کند؛ زیرا با پذیرش و تحمل نظر مخالف هم می‌توان از اندیشه او بهره گرفت و هم راه را برای بروز اندیشه‌های دیگر که از عوامل رشد و تعالی پژوهش هستند، باز کرد. «أَفْتَمَارُونَهُ عَلَى مَا يُرَى؛ آیا با آنچه او می‌بیند، ستیزه می‌کنید؟» (سوره نجم، آیه ۱۲)

۳. تواضع و فروتنی

خودپسندی و فخر فروشی، ویژه بازار جهل است و تواضع و افتادگی، محصول خرد و دانش و تدبیر فرد و عنصر اساسی در جذب دل‌هاست. باید توجه داشت که پژوهشگر به ویژه پژوهشگر دینی، اگر افتاده نباشد، از چشم همه خواهد افتاد.

۴. همراهی پژوهش با برهان

پژوهش باید با برهان همراه باشد تا پژوهشگر بدین شیوه از شک و گمان رها شود و بر اساس علم استوار، سخن بگوید.

در قرآن کریم نیز آمده است:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ از پی آنچه نمی‌دانی چیست، مرو!» (سوره اسراء، آیه ۳۶)

«قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بگو اگر راست می‌گویید، برهان خویش را بیاورید.» (سوره نمل، آیه ۶۴)

۵. اخلاص

اخلاص به معنای انجام دادن کاری فقط به منظور رضایت پروردگار است و پژوهشگر مخلص، پژوهشگری است که وارسته بوده و به کتاب و قلم و کاغذش وابسته نباشد. چنین شخصی حتی اگر از پاداش‌های مادی نیز بهره‌مند باشد، هیچ‌گاه هدف اصلی پژوهشش را امور مادی قرار نمی‌دهد و به آنها دل نمی‌سپارد.

۶. حقیقت‌جویی

از دستورات جدی اسلام، حقیقت‌جویی و حقیقت‌طلبی است. چنانچه نبی مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید:

«فِي الْقَلْبِ نُورٌ لَا يُضِيءُ إِلَّا مِنْ إِتِّبَاعِ الْحَقِّ؛ در قلب نوری است که نمی‌تابد، مگر آنکه از حق پیروی شود.»

(محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۵)

بایسته است پژوهشگری بر محور حق بچرخد و پژوهشگر تنها به دنبال حق و کشف حقیقت باشد و حق را از هر که و هر جا باشد بپذیرد.

۷. دوری از انحصار طلبی و حسادت

پژوهشگر باید بداند که اگر موفقیتی کسب کرده، تنها به او مربوط نبوده و عوامل متعددی دست‌اندر کار بوده‌اند. به قول لویی پاستور که می‌گوید: «اگر توانسته‌ام افقی دورتر را بنگرم، بدان سبب است که بر شانه غولان ایستاده‌ام.» مسلماً تلاش محققان پیشین و عنایات خداوند متعال، باعث موفقیت شده و تنها خود شخص به تنهایی نمی‌تواند پله‌های موفقیت را طی کند.

همچنین پژوهشگر باید به دور از بخل و حسادت، یافته‌های علمی خود را در اختیار دیگران قرار دهد و از هر گونه انحصارطلبی در نشر دانش خویش، دوری گزیند و به این وسیله پیش پای مردم را با چراغ دانش خویش روشن کند و زمینه کمال و پویایی آنان را فراهم سازد.

منبع: محمد هادی فلاح، «اخلاق پژوهشگری و آسیب‌های آن»، نشریه طوبی، قم،

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶، شماره ۲۴، صص ۱۱۹ - ۱۰۴.

تأثیر نماز بر کاهش آسیب‌های روحی

مریم ابراهیمی

چکیده

خصوصاً اگر محقق بتواند از تمام جنبه‌ها، نماز را مورد بررسی قرار دهد. از این رو در این مقاله سعی شده است آثار روانشناختی نماز به ویژه اثر آن بر روح افراد مورد بررسی قرار گیرد.

در مورد اینکه اولین نمازگزار چه کسی بوده و یا نماز اولیه به چه صورت بوده است، اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد؛ اما آنچه از تاریخ و منابع اسلامی و دینی، به دست می‌آید بیانگر آن است که از زمان خلقت بشر، نماز در تمام ادیان و مذاهب، صرف نظر از اختلاف در کیفیت اجرای آن، وجود داشته است. راز و رمزهای بی‌شمار نماز، بسیاری از علماء را بر آن داشته تا در کنار سایر فعالیت‌ها و خدمات خود، اثری تحت عنوان «آداب الصلوة» یا «اسرار الصلوة»، از خود بر جای گذارند.

اما آنچه در این مقاله بیشتر مورد توجه است، مفهوم عبادت و نماز و رابطه نماز با آرامش و نقش آن در سلامت روح است. البته مطالب درج شده در این اثر به مثابه قطره‌ای از دریای بیکران اسرار الصلوة است.

۲- نقش نماز در کاهش آسیب‌های روحی

۱-۲- مفهوم روح و روان در قرآن

قبل از آنکه به تأثیر نماز در کاهش آسیب‌های روحی پرداخته شود لازم است مفهوم روح و روان بازشناسی شود. در فرهنگ انسان‌ساز اسلامی، آلودگی به گناه و ذلالت‌های اخلاقی به عنوان «بیماری دل» شناخته می‌شود و در مقابل آن، تقوای دل و سلامت معنوی مطرح است. انسان سالم از دید اسلام علاوه بر معیارهای شناخته شده در مجامع علمی روز، آراسته به آرایه‌های معنوی و دور از آلودگی‌های روحی (گناه) است.

در قرآن کریم در تعریف روح آمده است که: «وَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا؛ ای پیامبر، از تو درباره‌ی روح می‌پرسند، بگو روح از عالم امر و در مقابل عالم خلق است و به شما جز مقداری از علم و دانش نداده‌اند.» (اسراء، آیه ۸۵)

نماز ساده‌ترین و زیباترین رابطه انسان با خداوند است که در تمام ادیان آسمانی وجود داشته است. نماز، یاد خداوند است و یاد خدا، تنها آرامش‌بخش دلهاست. نماز، هم دارای آثار مادی و ظاهری و هم آثار روحی و معرفتی است. اهمیت نماز چنان است که در بیشتر سوره‌های قرآن امر به نماز و اقامه‌ی آن مطرح شده است. علاوه بر مسلمانان، بسیاری از صاحب‌نظران، از آثار و خواص نماز سخن گفته‌اند. آثاری مانند تربیت ابعاد روحی انسان، دسترسی به سلامت روحی و روانی، دست یافتن به سبک زندگی اسلامی در عرصه‌های بهداشت فردی و انضباط اجتماعی و رعایت حقوق دیگران، همگی در سایه‌ی اقامه‌ی نماز صحیح مستقر می‌شود.

کلید واژه: عبادت، نماز، طهارت، اخلاص، بیماری روح، بهداشت عمومی.

۱- مقدمه

با پیشرفت علم و تکنولوژی، بشر تلاش کرده تا به اسرار بسیاری از امور پی ببرد. بررسی آثار دعا و معنویات بر محیط پیرامون، آثار اعتقادات مذهبی بر کار و زندگی افراد یا حتی بررسی سبک زندگی افراد مذهبی و مقایسه آن با زندگی افراد غیر مذهبی، از جمله موضوعات مورد تحقیق و مطالعه دانشمندان مختلف بوده است.

دانشمندان و اندیشمندان اسلامی نیز همواره تحقیقات و مطالعاتی پیرامون اعمال عبادی، ویژگی‌ها، خواص و آداب این اعمال انجام داده‌اند. یکی از این اعمال عبادی که در تمام ادوار و اعصار، توجه بسیاری از علماء و صاحب‌نظران را به خود جلب کرده، نماز است.

نماز، در آموزه‌های اسلامی از چنان اهمیتی برخوردار است که از آن به عنوان ستون دین و کلید قبولی اعمال، یاد شده است. اهمیت و ویژگی‌های خاص نماز موجب گشته تا از جنبه‌های مختلف تربیتی، روانشناسی، اخلاقی و حتی پزشکی، مورد بررسی قرار بگیرد. مسلماً تحقیق و

مطالعه در مورد چنین موضوع مهمی، اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت؛ به

شیخ طبرسی، ذیل آیه ۹ سوره بقره می‌گوید: نفس، سه معنی دارد. یکی به معنی روح؛ خرجت نفسه (یعنی روحش خارج شد) دیگری به معنای تأکید؛ «جاء زید نفسه» (یعنی زید خودش آمد) و سوم به معنای ذات و اصل؛ «و ما یخدعون الا انفسهم» (یعنی جز خویشتن کسی را گول نمی‌زنند). (راشدی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۵)

نفس در قرآن به چند معنی آمده است:
* به معنای روح: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا...» (زمر، آیه ۴۲)

* به معنای تمایلات نفسانی و خواهش‌های غریزی: «و نَفْسٌ وَمَا سَوَّاهَا» (شمس، آیه ۷)
* به معنای ذات و شخص: «و اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا...» (بقره، آیه ۴۸)
* به معنای قلب و باطن: «و اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ...» (اعراف، آیه ۲۰۵)

کلمه‌ی روح هم مجموعاً ۲۱ بار در قرآن با معانی مختلف به کار رفته است:

* فرشته: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» (شعراء، آیه ۱۹۳)
* فرشته مخصوص: «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (قدر، آیه ۴)
* روح مستقل: «فَإِذَا سُوِّتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر، آیه ۲۹)
* روح، حقیقتی از عالم امر: «و يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء، آیه ۸۵)

ابو علی سینا می‌گوید: خداوند مردم را از گرد آوردن سه چیز آفرید؛ یک تن که او را بدن یا جسد خوانند، دیگری جان که او را روح خوانند و سوم، روان که او را نفس خوانند.
طبق این گفته، روح و جسم در مقابل روان قرار دارند. روان در ارتباط با جسم و روح است و شاید پل یا مرزی بین آن دو باشد.

۲-۲- عوامل ناآرامی روح و روان

بعد از بازشناسی مفهوم روح، دانستن عوامل تلاطم

روحي و ناآرامی‌های روحی و روان از موارد لازم و ضروری است. چنانچه امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: آگاه باشید که از بلاها، فقر و سخت‌تر از فقر، بیماری تن و سخت‌تر از بیماری تن، بیماری دل است و آگاه باشید که از نعمت‌ها، وسعت مال و بالاتر از وسعت مال، سلامتی بدن و بالاتر از سلامتی بدن، تقوای دل است. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ق، ص ۲۰۳)

آرامش به عنوان گمشده و آرزوی بشر تعریف شده است و انسان برای رسیدن به آن نهایت تلاشش را به کار می‌گیرد. این تلاش از ابتدای خلقت تاکنون استمرار داشته است. (راشدی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۴) فرار از واقعیت‌ها، خودخواهی و زیاده‌خواهی، بدبینی و رفتارهای تهاجمی، لجاجت، تشویش خاطر، افسردگی، اندوهگینی و ... نشان‌دهنده‌ی نبود آرامش و عدم سلامت روان افراد است. این حالت‌ها غالباً بر اثر غم و اندوه درونی به وجود می‌آیند. غم و اندوهی که حاصل یکی از عوامل ذیل است:

- از دست دادن یک چیز یا یک شخص عزیز
- به دست نیاموردن مطلوب
- اضطراب و نگرانی
- تردید و بلاتکلیفی
- مشاهده‌ی صحنه‌های تأثر برانگیز
- ارتکاب خطا و گناه
- سخن یا عمل نادرست دیگران

فردی که از لحاظ روحی ناسالم است، نارضایتی و نگرانی غیر واقعی از خود نشان می‌دهد، او قادر به کنترل خشم و احساسات خود نیست، اهل افراط و تفریط بوده و اندیشه غیر منطقی دارد، توقعات او از خودش به تناسب توانایی‌هایش نیست و غالباً در گذشته‌ها یا آینده‌های موهوم سیر می‌کند و از زمان حال غافل است. (اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۴۱) او همواره زندگی را پوچ، بی‌معنی و بی‌هدف تصور می‌کند، به ناامیدی، انزواطلبی و درون‌گرایی مبتلا می‌شود، برای خود و کارهایش ارزش قائل نیست و اعتماد به نفس و امنیت روانی ندارد.

۲-۳- پیوند نماز با آرامش روانی

قرآن عوامل آرامش انسان را ایمان، عمل صالح، نماز و زکات می‌داند و می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَأَتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ؛ کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته
انجام داده‌اند، نماز را برپا داشته و زکات را پرداخته‌اند،
اجرشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آنهاست و
نه اندوهگین می‌شوند.» (بقره، آیه ۲۷۷)

یکی از فلسفه‌های تشریح نماز، یاد خداوند است. چنان
که می‌فرماید:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه، آیه ۱۴)

و یاد خدا، منشأ آرامش دل و امنیت روانی است.

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، آیه ۲۸)

۲-۳-۱- نماز، اکسیر غم‌زدا

با توجه به تک تک اذکار و اعمال نماز، نقش نماز در
ایجاد انگیزه و امید در افراد و همچنین اثر غم‌زدایی آن،
به خوبی نمایان می‌شود.

فردی که خداوند را مالک و معبود و خود را عابد و
مملوک می‌داند، همواره به یاد دارد که مالک و صاحب
چیزی نیست، «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» پس به خشنودی خدا و
تقدیر او راضی می‌شود و به دنبال خواسته‌های نادرست
و نامشروع نمی‌رود، زیرا نماز به او می‌آموزد که
خواسته‌ها و حاجات خود را باید پیوسته از خداوند
بخواهد. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

اضطراب، نگرانی، تردید و بلاتکلیفی غم‌های سنگینی را
به انسان تحمیل می‌کند، در این هنگام نماز حقیقی به
آدمی آرامش می‌بخشد. نماز حقیقی، از یک سو اراده
انسان را قوی کرده و او را وقت‌شناس و دارای قدرت
تشخیص می‌کند و از سوی دیگر روح اعتماد و توکل به
خداوند را در او زنده می‌کند. «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» اگر
هم غم انسان به دلیل دیدن صحنه‌های ناراحت کننده
باشد، دو رکعت نماز همراه با توجه، بهترین داروی
اثربخش خواهد بود.

گاهی هم غم و اندوه انسان به دلیل سرزنش‌های نفس
لوامه است، این سرزنش‌ها به دنبال ارتکاب خطا و گناه
شروع شده و فرد را از کرده‌اش پشیمان و او را دچار
عذاب وجدان می‌کند. در این هنگام نیز نماز می‌تواند

بهترین راه درمان باشد. «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» در

حقیقت، انسان به وسیله نماز، از

خداوند و عذاب، به خود خدا

پناه می‌برد. (راشدی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۸۸)

«... وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ»

نماز، حداقل روزی ده بار به نمازگزار می‌گوید: این
جهان، آفریننده و پرورش‌دهنده‌ای دارد که بر آن
نظارت می‌کند. کار بندگانش را ارزش‌گذاری کرده و
برای آنها درجه‌ی ثواب و عقاب معین می‌کند. این باور
که کوچک‌ترین کار نیک و بد، بدون پاداش و جزا
نمی‌ماند، به نمازگزار آرامش و امنیت روانی می‌دهد.
همچنین رنج ترک گناه و عمل به تکلیف را آسان می‌کند.
پیامبر اکرم ﷺ آیه ۱۱۴ سوره هود را امید
بخش‌ترین آیه قرآن معرفی کرده‌اند.

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفَا مَنْ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ
يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ؛ و نماز را در دو
طرف روز و اوایل شب به پادار؛ به درستی که کارهای
نیک (همچون نماز) بدی‌ها را محو می‌کند. این تذکری
است برای اهل ذکر»

۲-۳-۲- نماز، بازدارنده گناه و فحشا

«أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ
تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت، آیه ۴۵)

در این آیه، خداوند به رسول خود فرمان می‌دهد تا
در کنار تلاوت قرآن، نماز را اقامه کند؛ چون نماز انسان
را از فحشاء و منکر باز می‌دارد. مراد از این بازداری،
طبیعت نماز است که البته به نحو اقتضاء است، نه علیت
تامه؛ یعنی به این معنی نیست که هر کس نماز خواند دیگر
نتواند گناه کند. بلکه طبق آنچه پیش‌تر گفته شد عبادتی
مقبول در گاه خداوند است که خالصانه، خاشعانه، عاشقانه
و مخفیانه باشد.

مفسرین در تفسیر این آیه نظرات مختلفی دارند:

* برخی گفته‌اند: کلمه (صلوه) به معنای نماز نبوده و به
معنای دعا است. مراد از دعا هم، دعوت به سوی امر
خداوند است. در این آیه به رسول خدا ﷺ فرمان داده
شده تا بر دعوت مردم به سوی خداوند پایداری کند؛
چرا که این دعوت مردم را از فحشاء و منکر باز می‌دارد.

* بعضی دیگر گفته‌اند: کلمه (صلوه) در این

آیه، نکره بوده و منظور آن است که

یک قسم از نمازها باعث

اجتناب از فحشاء و منکر

می‌شود و مراد همه‌ی نمازها نیست.

* عده‌ای هم معتقدند: تا وقتی که نمازگزار مشغول نماز است، این اثر را دارد؛ یعنی شخص تا وقتی در نماز است، کارهای زشت انجام نمی‌دهد و همین اشتغال به نماز، او را از کارهای دیگر باز می‌دارد.

* برخی بر این باورند که این آیه با همان ظاهر، به این معناست که نماز مانند یک انسان که دیگری را از کارهای زشت نهی می‌کند، به نمازگزار می‌گوید: زنا مکن، ربا مخور، دروغ نگو و ... همان طور که انسان گاه به نصیحت دیگران گوش می‌دهد و گاه نه، در نماز هم همینطور است.

* گروهی نیز می‌گویند: انسان نماز می‌خواند تا به یاد خدا باشد و کسی که به یاد خدا باشد، از اعمالی که ناخوشایند بوده و مورد قبول خداوند نیست، پرهیز می‌کند.

آنچه از تمام این نظرات به دست می‌آید، نشان دهنده‌ی آن است که نماز، انسان را وادار می‌کند تا از حدث (آلودگی روحی) و خبث (آلودگی بدن و جامه)، خود را پاک کند و از لباس و مکان غصبی پرهیزد و رو به سوی خانه پرودگارش بایستد. اگر انسان مدتی کوتاه بر نماز خود پایداری کند و در انجام آن صادق باشد، در کوتاه مدت باعث می‌شود که پرهیز از گناه در او ملکه شود. (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۶، صص ۱۹۹ - ۱۹۷)

۲-۳-۳- تأثیر نماز در تمرکز فکر

توجه به خشوع و حضور قلب در نماز، وسیله‌ای است برای پرورش حضور ذهن و تمرکز حواس که در زندگی بسیار مهم است. ویلیام مورتن مارستن، متخصص در روان‌شناسی می‌گوید: افراد موفق کسانی هستند که می‌توانند در امری تمام افکار خود را متمرکز کنند و تمام دانسته‌های خود را درباره آن آورده و به کار ببندند. اگر روح و فکر ما به طور کامل در نقطه‌ای متمرکز شود یا برای امری به کار افتد، نیرویی شگفت‌انگیز می‌آفریند.

به نظر ویلیام جیمز که پدر روان‌شناسی جدید

محسوب می‌شود، فرق بین افراد نابغه با

دیگران، یک موهبت فطری نیست؛

بلکه به توجه کامل آنها

به موضوعات و نتایج آنها

برمی‌گردد. نبوغ افراد به میزان و درجه تمرکز افکار شخص بستگی دارد.

در رابطه با اینکه چگونه می‌توان این نیرو را در خود ایجاد کرد؟ ویلیام مورتن می‌گوید: بهترین راهی که توجه و التفات را در انسان زیاد می‌کند، این است که فکر و جسم هر دو با هم کار کنند. همان طور که نمازگزار در حالی که تمام افکار و توجهش به خداست، رکوع، سجود، قیام و قعود را انجام می‌دهد. (راشدی، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۱۳۳ - ۱۲۹)

۴- نتیجه گیری

این اثر تنها مختصری از آثار نماز بر روح نمازگزار بود، اما از همین نگاه اجمالی، می‌توان دریافت که اگر انسان بتواند اعمال و رفتار خود را بر اساس آنچه خداوند فرمان داده است، به جا آورد و در نیت و انگیزه خود صادق و با اخلاص باشد، این عمل او می‌تواند فرد را از زشتی‌ها رها ساخته و موجب رشد و کمال او شود. فردی که بداند و باور داشته باشد که هیچ عملی، بدون پاداش و جزا نمی‌ماند، با شوق و علاقه، آن عمل را انجام خواهد داد.

از سوی دیگر، عبادت و پرستش کورکورانه یا از روی اجبار، هیچ گاه مورد قبول خداوند نبوده است. نماز، عبادتی است که هم روح و هم جسم ما را پرورش می‌دهد؛ به شرط آنکه نمازگزار، خود را از آلودگی‌های جسمی و روحی پاک گرداند. همانطور که طهارت ظاهری و باطنی در قبولی عبادت، شرط است، عبادت از روی عشق و اخلاص، انسان را از آلودگی‌ها پاک می‌گرداند و همین موضوع، شاید یکی از رازهای نماز باشد.

فهرست منابع و مآخذ

❖ قرآن کریم.

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ه.ق.

۲. اصفهانی، محمد مهدی، آیین تندرستی، تهران، انتشارات تندیس، ۱۳۸۳.

۳. راشدی، حسن، نمازشناسی، ج ۲، چاپ سوم، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۰.

۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.

نقش دین در کاهش اضطراب و نگرانی

فاطمه هاشمی

چکیده

وظیفه امروز بیندیشیم. «عبرت» را جایگزین «حسرت» بر گذشته و «تدبیر» را جانشین «بیم» از آینده کنیم. باید دانست که توجه به حال، به معنای بی‌تفاوتی به آینده نیست و تدبیر و آینده‌نگری، لازمه‌ی زندگی سالم برای همه انسان‌ها است. اما احتیاط‌کاری و تدبیر هم حد و اندازه‌ای دارد که اگر از حد اعدال بگذرد، به شک، اضطراب و تردید منتهی می‌شود و مانع تحرک و فعالیت می‌گردد. در مقابل این افراط و تفریط‌ها دین با ارائه‌ی راه‌کارهای معتدل موجب آرامش فردی و رفع اضطراب‌ها و نگرانی‌ها خواهد شد که در این مقاله به برخی از جلوه‌های آرامش‌بخش دین که موجب رفع اضطراب‌ها و نگرانی‌ها می‌شود، اشاراتی هر چند مختصر خواهد شد.

۲- تعریف دین

۱-۲- تعریف لغوی

«دین» در لغت به معنای «اطاعت»، جزا، خضوع، تسلیم و ... آمده است، ولی باید توجه داشت که تعاریف لغوی دین، در زبان‌های گوناگون یعنی همان تعاریف شرح اسمی هستند و این تعاریف در مباحث دین‌پژوهی مشکلی را حل نمی‌کند؛ آنچه مهم است شناخت واقعیت و ماهیت دین و احیاناً مصداق مورد بحث است، از آن گذشته حتی مباحث زبان‌شناختی هم در تعریف دین کارساز نیستند، زیرا اینگونه مباحث، مشکل معرفتی را حل نمی‌کنند و باید دنبال تعاریف اصطلاحی دین بود. (خسرو نیا، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳)

۲-۲- تعریف اصطلاحی

باید دانست که دین، شریعت، آیین لازم‌الاتباع و ملت اصولاً به یک معنا می‌باشد و اختلاف آنها اعتباری است، زیرا شریعت را بدین لحاظ که از آن پیروی می‌شود، دین گویند و بدین جهت که گردآورنده و جامع نفوس است، ملت خوانند و از این رو که مرجع همگان است مذهب نامند.

دین در لغت به معنای، جزا، خضوع، تسلیم و ... غیره است و در اصطلاح دین همان شریعت و آیین لازم‌الاتباع است. دین دارای کارکردهای فردی و اجتماعی است که کارکردهای فردی آن شامل: معنا بخشی به زندگی، فرونشاندن عطش جاودانگی، راه‌شناسی، انسان‌شناسی، وسیله بودن در راه کمال، پرورش فضائل و ... و مهمترین کارکردهای اجتماعی آن ایجاد جامعه سالم، پشتوانه اخلاق اجتماعی، عدالت و قانون، پشتیبانی از فضائل اخلاقی و ... است. باید دانست که اضطراب، وضعیت تشدید شده و تحریک هیجانی است که احساس نگرانی یا ترس را نیز در بر دارد. مثل ترس که فرد احساس می‌کند تهدید می‌شود. در مقابل این اضطراب‌ها و ترس‌ها دین با داشتن کارکردهای اثربخش نقش به‌سزایی در کاهش این ناهنجاری‌های روحی دارد که مهمترین کارکردهای روحی و روانی دین در حوزه‌های نماز، تقویت ایمان، دعا و نیایش، روزه، تسلیم و رضا، کار مثبت، بهبود شیوه‌های تعلیم و تربیت و ... می‌باشد.

کلید واژه: دین، اضطراب، ایمان، اجتماع، تعلیم و تربیت.

۱- مقدمه

گر چه بشر متمدن در سایه علم و دانش و به کارگیری نیروهای مختلف طبیعت توانسته بر بسیاری از مشکلات خود فائق آید، ولی نمی‌توان منکر این حقیقت شد که به تناسب رشد روزافزون علوم بشری و پیشرفت فناوری، سیر صعودی بیماری‌های روحی، ناراحتی‌های روانی، تشنج و اضطراب درونی نیز رو به افزایش است؛ بنابراین انسان متجدد بیش از انسان سنتی به آرامش و رضایت از زندگی نیازمند است. دین با نگاه عمیق و ژرفی به این مقوله ارزشمند توجه کرده که در شرایط فعلی، استخراج آن ضروری به نظر می‌رسد.

برای غلبه بر نگرانی باید دردهای دیروز و افکار مربوط به فردا را فراموش کرده و به

چنانچه راغب می‌گوید: «شریعت را به اعتبار طاعت و پیروی، دین گویند و آن با ملت و طریقت به یک معنی است، لکن انقیاد و طاعت در آن ملحوظ است». (دشتی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۹)

۳- تعریف اضطراب

اضطراب، وضعیت تشدید شده تحریک هیجانی است که احساس نگرانی یا ترس را نیز در بر دارد. مثل ترس که فرد احساس می‌کند تهدید می‌شود؛ ولی برخلاف اضطراب در ترس، فرد اغلب منبع تهدید را به شکلی مبهم یا نه چندان دقیق ادراک می‌کند.

بعضی از روان‌شناسان، نگرانی موهوم را «اضطراب» نامیده و نگرانی به جا را «ترس» خوانده اند. پس اضطراب، واکنش ترس‌گونه نیست، بلکه اضطراب ناشی از یک عامل ناشناخته است. (سبحانی نیا، ۱۳۹۰، صص ۱۶ و ۱۷)

اضطراب از حالت‌های روانی است، انسان را دچار ناتوانمندی روانی و کنش‌های نامتعادل می‌نماید. اضطراب از مباحث بسیار مهم روان‌شناسی است که به ویژه در زندگی بشر امروز آثار گوناگون و نقش مهمی دارد و عامل برجسته و شاید بنیادین آن، زندگی صنعتی است. هر چند در متون دینی خود واژه اضطراب و دیگر فرآورده‌های آن یافت نشده، اما برخی از حدیث‌پژوهان بر این باورند که اضطراب از پیامدهای جدایی‌ناپذیر بدگمانی است که پیامدی بسیار ویران‌گر است، زیرا انسان را از اندیشه و کنش متعادل بیرون می‌کند؛ این در حالی است که اسلام، انسان را به تعادل فرا می‌خواند و او را موکداً از زیاده‌روی و کوتاهی کردن در کارها باز می‌دارد، زیرا از منظر این دین راست‌گرایی و چپ‌گرایی هر دو بیراهه است و راه میانی و اعتدال، گذرگاه راستین است. (علی‌زاده، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۶)

۴- کارکرد اجزاء دین اسلام در کاهش اضطراب و نگرانی

۴-۱- نماز

نماز یکی از احکام الزامی

و بسیار مهم قرآنی است که نقش مؤثری در آرامش انسان دارد و به عنوان فریضه‌ای که بعد از ایمان مطرح گردیده است، پیوسته انسان را به یاد خداوند می‌اندازد و بازگشت به سوی او را متذکر می‌شود. این تذکر دائمی و مستمر که در هر شبانه روز پنج بار در زمان‌های مشخص تکرار می‌شود، چنانچه با رعایت کلیه شرایط مادی و معنوی صورت پذیرد، نه تنها انسان را از انحراف اخلاقی و رفتاری حفظ می‌کند، بلکه می‌تواند انسان را به بالاترین درجه کمال انسانی که همان رسیدن به کمال مطلق یعنی قرب الهی است برساند. (خدایی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۰)

۴-۲- تقویت ایمان

بیماری‌ها و اختلالات روحی و روانی مانند ترس از گذشته، خوف از آینده، ضعف و ناتوانی در برابر حوادث، احساس پوچی، نگرانی از ناسپاسی دیگران، ترس از مرگ و فزون‌طلبی همگی ناشی از ضعف ایمان است. چنانچه خداوند در قرآن کریم راه رسیدن به امنیت و آسایش را ایمان به خدا معرفی می‌کنند. آنجا که می‌فرمایند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»؛ آنان که ایمان آورده و ایمان خود را به ستم نیامیخته‌اند، امنیت مال آنهاست و آنها هدایت یافتگانند. (انعام، آیه ۸۲) در این آیه کلمه امنیت و هدایت، نشان از نقش دین در کاهش اضطراب و ناامنی‌های روحی و روانی است.

وجود فشارهای روانی امنیت و آرامش فرد را به مخاطره می‌اندازد و عدم وجود امنیت و آرامش نیز به نوبه خود فشار روانی را تشدید می‌کند. ایمان به خدا انسان را از دل‌بستگی به دنیا می‌رهاند و این باور را برای او ایجاد می‌کند که دنیا مقصد نیست. با این بینش، دنیا در نگاه مؤمن رنگ می‌بازد. در واقع دست نیافتن به ریاست و مال و منال دنیا و رفاه نمی‌تواند اهل ایمان را مضطرب و مشوش سازد. این مسأله موجب شده تا رابطه مذهبی بودن با کاهش اضطراب و ناراحتی‌های روانی در مطالعات روان‌شناسان مورد بررسی قرار گیرد. (سبحانی نیا، ۱۳۹۰، صص ۳۹ - ۴۱)

۴-۳- تسلیم و رضا

تسلیم و راضی بودن به مشیت الهی از ثمرات بسیار با برکت ایمان قلبی است. این امر باعث از بین بردن ریشه‌های غم و غصه و نگرانی‌های یک جوان می‌شود. زیرا اگر انسان باور کند که خداوند عالم داناست و این مطلب را از اعماق وجودش قبول داشته باشد که پروردگار قادر است، با قلبش ایمان بیاورد که حق تعالی، عادل، جواد و حکیم است و به واقع در دلش رسوخ کرده باشد که ما در محضر اویم و او کسی است که از هر پدر مهربانی به ما مهربان‌تر است، هیچ گاه کار بیهوده نمی‌کند و همواره تسلیم اوست، چون تسلیم و رضا در برابر آنچه خداوند صلاح می‌داند را تنها راه نجات خویش می‌داند (مظاهری، ۱۳۷۷، صص ۱۰۳ و ۱۰۴)

۴-۴- دعا و نیایش

دعا دارای جایگاه بسیار والایی در قرآن کریم است: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكَشِفُ السُّوءَ؛ ای کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد» (نمل، آیه ۶۲) یا در جای دیگر آمده است: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ؛ و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند (بگو) من نزدیکم، دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می‌خواند پاسخ می‌گویم، پس آنها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند شاید به راه راست و هدایت برسند». (بقره، آیه ۱۸۶)

دعا چون بارقه امیدی است که در کانون دل انسان می‌درخشد و ابرهای یأس و اضطراب را از آسمان دل کنار می‌زند، دعاکننده خود را به قدرتی متصل می‌بیند که آسان و سخت برای او مطرح نیست و گشودن بن‌بست‌های بشری برای او کاملاً میسر و آسان است. این امیدواری که از دعا برمی‌خیزد همانند خون تازه‌ای در شریان‌های آدمی جاری می‌شود و او را از نگرانی نجات می‌دهد. در سایه دعا و مناجات با خداوند و توجه به مبدأ هستی، احساس پوچی و بیهودگی از بین می‌رود.

امروزه که با پیشرفت تمدن صنعتی حجم

مشکلات روانی بیشتر شده است

می‌توان با استفاده از دعا و ارتباط با معبود بر بسیاری از مشکلات فائق آمد. (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۲۰۲)

۴-۵- روزه

یکی از مواردی که می‌تواند ایجاد آرامش روانی و تأمین بهداشت روانی به انسان کمک نماید، یاد و ذکر خداوند می‌باشد. ایمان به خدا، قدرت معنوی به انسان می‌بخشد که او را در تحمل سختی‌ها کمک می‌کند و نگرانی و اضطراب را از وی دور می‌سازد. روزه گرفتن و انجام سایر اعمال عبادی، از مصادیق روشن ایمان به خدا، ذکر و یاد او می‌باشد. روزه، شهوات را به شدت کنترل کرده، ذهن و جسم انسان را خالص نموده و تفکر درباره‌ی خالق را تقویت می‌کند و باعث استحکام شخصیت انسان می‌گردد. در آموزه‌ها و تعالیم دین اسلام نیز بر این نکته در قالب سخنان معصومین علیهم‌السلام تأکید شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَذْهَبَ كَثِيرٌ مِنْ وَحْرِ صَدْرِهِ فَلْيَصُمْ شَهْرَ الصَّبْرِ وَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ؛ کسی که دوست دارد بسیاری از وسوسه‌های سینه‌اش زدوده شود، ماه صبر (رمضان) و سه روز از هر ماه را روزه بگیرد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۴، ص ۱۰۸) حضرت علی‌علیه‌السلام در سخن دیگری می‌فرمایند: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاهُ فَلْيَتَزَوَّجْ وَ مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْهَا فَلْيُذِمِّنِ الصَّوْمَ فَإِنَّ لَهُ وَجْءًا؛ ای جوانان! هر کس از شما که می‌تواند ازدواج کند و هر کس نمی‌تواند ازدواج کند، بسیار روزه بگیرد که روزه، آرام‌بخش نیروی جنسی است». (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶، ص ۵۹۵)

۴-۶- کار مثبت

یکی از راه‌هایی که در رفع آشفتگی خاطر و اضطراب درونی مؤثر است، پرداختن به کارهای مثبت و مفید می‌باشد.

با کار و تلاش، فرصت خیال‌پردازی و فرو رفتن مداوم در اوهام از انسان

سلب می‌شود و در پرتو آن ذهن هر چند به طور موقت، رهایی می‌یابد. همه روان‌شناسان می‌گویند، کار و سرگرمی بهترین دارویی است که تاکنون برای بیماری‌های اعصاب شناخته شده است. (سبحانی نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶)

۴-۷- بهبود شیوه تعلیم و تربیت

ریشه بسیاری از نابسامانی‌های روانی و نگرانی‌ها ناشی از تربیت نادرست در دوران کودکی است و همچنین اثر نامطلوبی که از تندی و خشم و غضب مریبان در روح و روان کودک پدید می‌آید، قابل توجه و تأمل است. از این رو در اسلام به تربیت فرزندان عنایت ویژه‌ای شده است و همگان را به تکریم کودک فرا خوانده و از تحقیر و توهین به آنها برحذر داشته است.

همچنین گوش دادن به سخنان کودک موجب تخلیه احساسات و آرامش روحی وی می‌شود و محبت به فرزندان از مهم‌ترین عوامل رشد روانی آنان است. نوجوانی که محبت کافی از پدر و مادر نبیند، برای پذیرش انواع اختلالات رفتاری آمادگی دارد. (سبحانی نیا، ۱۳۹۰، ص ۶۴)

۵- نتیجه گیری

انسان‌ها به طور طبیعی علاوه بر تأییراتی که از محیط اطراف می‌گیرند، از اعتقادات و عملکردهای خود هم به طور عمده تأثیر می‌پذیرند و رفتارهای فردی و برونی، در واقع از اعتقادات درونی و واکنش‌های خودخواسته نشأت می‌گیرد؛ از این رو علت اینکه بعضی با انگیزه بسیار بالا و قوی در حیات بشری خود فعالیت می‌کنند و برخی از شادابی و نشاط کمتری برخوردارند و گرفتار نگرانی و اضطراب هستند، همان اعتقادات درونی و ایمان آنهاست. امروزه از یک سو جوامع مختلف بشری در زندگی فردی و اجتماعی، دچار مشکلات و بحران‌های زیادی هستند و از سوی دیگر، مکاتب بشری در حل این مشکلات راه به جایی نبرده و در نتیجه‌ی آن، سردرگمی و بی‌معنا بودن زندگی برای افراد جامعه بشری امری شایع و ملموس شده است، اما بی‌تردید باورهای

دینی و التزام به دین و آیین خاصی مانند اسلام برای برون‌رفت از این معضل بزرگ، بسیار نقش آفرین و راهنما است و می‌تواند فرد و اجتماع را به سوی تکامل واقعی سوق دهد.

فهرست منابع و مآخذ

❖ قرآن کریم.

۱. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف دایره المعارف جامع اسلامی، ج ۳، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۱.
۲. خدایی، زبیده، خدایا چگونه شاد باشم، چاپ یازدهم، قم، قلم زنان، ۱۳۹۲.
۳. خسرو نیا، عبدالحسین، مسائل جدید کلامی، بی‌جا، انتشارات بین المللی مصطفی، ۱۳۸۸.
۴. سالاری فر، محمدرضا، اصول بهداشت روانی با نگرشی به منابع اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۵. سبحانی نیا، محمد، جوان و آرامش، چاپ هفتم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
۶. علی‌زاده، میرزا، ظن (پندار)، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، ج ۱، چاپ اول، قم، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۷.
۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، محمود مهدوی دامغانی، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶.
۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۴، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه.ق.
۹. مظاهری، حسین، اخلاق و جوان، ج ۱، قم، شفق، ۱۳۷۷.

چگونگی قیام حرّه و موضع

امام سجاد (علیه السلام) در برابر آن

فاطمه سادات هاشمی

چکیده

بیدار شده و برای خون‌خواهی امام حسین (علیه السلام) و دفاع از اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) دست به قیام زدند؛ چرا که در این زمان، مردم نسبت به طاغوت عصر خود یعنی یزید بن معاویه آگاهی بیشتری پیدا کرده بودند و کاملاً از اهداف شوم او آگاه شده بودند. از این رو قیام‌های مختلفی رخ داد که از جمله‌ی مهم‌ترین قیام‌های شیعی آن زمان، قیام حرّه بود.

در این مقاله سعی شده است برای شناخت بیشتر این قیام، در ابتدا چگونگی شروع قیام حرّه و جغرافیای مکانی آن بیان شود و سپس فرجام قیام و موضع امام سجاد (علیه السلام) در مقابل این قیام بررسی گردد.

۲- شرح اجمالی قیام حرّه

حاکمیت خلفای سه گانه و حاکمیت بریدگان از حق ولایت و امامت، جو عمومی شهر مدینه را - پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) - روز به روز از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) دور نموده و عموم مردم این شهر، جایگاهی را که خداوند و رسولش برای اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) تعیین کرده بودند، را به رسمیت نمی‌شناختند و شاید به همین دلیل بود که حسین بن علی (علیه السلام) به همراه کاروان اندکی از خویشان و اصحاب خود از شهر مدینه که مدت‌ها تحت سلطه‌ی والیان اموی و غیر اموی اداره شده بود، خارج گردیدند.

اما برگشت کاروان اسراء به رهبری حضرت زین العابدین (علیه السلام) و گزارشی که آن امام همام از فجایع مربوط به شهادت حضرت سید الشهداء (علیه السلام) به مردم ارائه کردند و همچنین اقامه‌ی مراسم عزا و نوحه‌سرایی در کنار قبر حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تحول جو عمومی مردم به ویژه نسل جوان، نقش قابل توجهی داشت. به گونه‌ای که برخورد مردم مدینه با بازماندگان نهضت عاشورا به شدت عاطفی بود، همه گریستند و اظهار همدردی کردند. (دعایی، ۱۳۸۰، صص ۴۸۴-۴۸۱) این روایت در حالی است که بر اساس مستندات

نقلی که از حضرت

زین العابدین (علیه السلام) در دست

با توجه به شرایط خاص سیاسی و اجتماعی که بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) در حکومت اسلامی پدید آمده بود، مردم و به ویژه شیعیان در اوضاع بسیار بد سیاسی و اجتماعی به سر می‌بردند. در واقع دوران امام سجاد (علیه السلام) یکی از اختناق‌آورترین این دوران‌ها به شمار می‌آید. فضای بسته و خفقان‌آور عصر امام سجاد (علیه السلام) سبب شد که قیام‌های زیادی از سوی فرقه‌های قیام‌های شیعی و غیرشیعی در این زمان رخ دهد که از جمله مهم‌ترین قیام‌های شیعی، می‌توان به قیام حرّه اشاره کرد که کشتار شیعیان در این قیام یکی از وقایع اسفبار در عصر امام سجاد (علیه السلام) بود. در این قیام عبدالله بن حنظله، رهبری قیام را بر عهده داشت و در مکانی به نام حرّه در نزدیکی شهر مدینه با سپاه ده هزار نفری شام روبرو شد و در نهایت با شکست وی این قیام به پایان رسید، اما این قیام سرآغازی شد برای قیام‌های بعدی که مهم‌ترین آنها قیام توابین و مختار بود.

کلیدواژه ها: قیام، امام، شیعه، حرّه.

۱- مقدمه

بررسی و مطالعه در سیره و روش زندگی امامان معصوم (علیهم السلام) ما را به این مطلب رهنمون می‌سازد که هر یک از آن بزرگواران در عصر خویش با اوضاع و شرایط خاصی روبرو بودند، از این رو یکی صلح را پذیرفت و دیگری جنگید، یکی با دعا و نیایش به پاسداری از مکتب و گسترش معارف اسلامی پرداخت و دیگری این مهم را به تأسیس دانشگاه بزرگ علوم و معارف اسلامی به انجام رسانید. بدین سان پیشوایان معصوم (علیهم السلام) در شرایط مختلف مشعل هدایت را به گونه‌ای عینی فرا روی رهروان حق برافروختند و آنان را به بهره‌گیری از این نور الهی و حرکت در پرتو آن دعوت کردند.

مهم‌ترین موفقیت‌های قیام شیعیان بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) و عصر امام سجاد (علیه السلام) اتفاق افتاد، زیرا در این دوران پر از خفقان، گروهی از مردم از خواب غفلت

است، در مکه و مدینه قبل از شهادت امام حسین (علیه السلام) بیست نفر محبّ برای حضرت وجود نداشت. (مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۴۶، ص ۱۴۳) این روایت نشان می‌دهد که چگونه مردم از خط امامت و ولایت فاصله گرفته بودند.

به هر حال ورود کاروان اسرا به مدینه و مواجهه مردم با آنها و اطلاع مردم از عمق جنایاتی که توسط حاکم اموی و جانشین معاویه یعنی یزید بن معاویه بر خاندان نبوت وارد شده بود، موجب گردید آنها از خوابِ گران غفلتِ خود بیدار شده و زمزمه‌های گسترده مخالفت با نظام اموی در مدینه بلند شود و این زمزمه‌ها کم کم به فریاد تبدیل گردد و در نتیجه‌ی آن مردم مدینه رسماً علیه یزید بن معاویه قیام کنند. (سپهر، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹)

شرح این قیام به این صورت بود که در مدت کوتاهی که از حاکمیت یزید در بلاد اسلامی می‌گذشت تا وقوع قیام در مدینه، این شهر همواره دستخوش ناآرامی بود و والیان منصوب از طرف یزید مرتباً تعویض می‌شدند. در ابتدا ولید بن عتبه حاکم بود، سپس عمرو بن سعید والی مدینه شد و بعد از اندکی یزید پسرعموی خود، عثمان بن محمد بن ابی سفیان را فرماندار مدینه کرد. او که جوانی کم سن و سال بود و هرگز تجربه مدیریت نداشت، به گمان خود برای فرونشاندن جو ناآرام شهر، نمایندگان از مردم مدینه مانند عبدالله بن حنظله غسیل الملائکه (از انصار) و عبدالله بن ابن عمر و مخزومی و منذر بن الزبیر و گروه بسیاری از اعیان و اشراف را برگزید تا به خدمت یزید اعزام شوند. (عسکری، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷)

این نمایندگان به نزد یزید رسیدند، یزید مقدمشان را گرامی داشت و هدایایی درخور ملاحظه به ایشان عطا کرد. به عبدالله فرزند حنظله که مردی شریف، فاضل، عابد و مورد احترام بود، یک صد هزار درهم بخشید و به هر یک از هشت پسرانش که به همراه او بودند، غیر از لباس و چهارپا، ده هزار درهم جایزه داد.

گروه نمایندگان در راه بازگشت وقتی به مدینه رسیدند، زبان به دشنام و بدگویی از یزید گشودند و اظهار داشتند که ما از نزد کسی بازگشته‌ایم که دین

ندارد، شراب می‌خورد، طنبور می‌نوازد و با آوازه‌خوانان، یار و همنشین است. او

مردی است سگ باز و با جوانان فاسد بدکاره به شب زنده‌داری می‌پردازد. شما مردم گواه باشید که ما او را لایق خلافت ندانسته و از این مقام خلع می‌کنیم. (طبری، بی‌تا، ص ۱۳)

عبدالله فرزند حنظله غسیل الملائکه، برخاست و گفت: من از نزد کسی آمده‌ام که اگر به جز این فرزندانم یار و یاور دیگری می‌داشتم با همین‌ها علیه او قیام می‌کردم. (حیدری، ۱۳۷۳، صص ۱۳۰ و ۱۳۱) به او گفتند که یزید تو را گرامی داشته و جایزه و هدایای بیشتری به تو داده است و تو را با این کارش سرافراز کرده است! فرزند حنظله گفت: آری این چنین کرده، من عطایای یزید را از آن جهت از او گرفته‌ام که به وسیله آنها قدرتی به دست بیاورم تا برای جنگ با سپاه او ابزار جنگی تهیه کنم.

پس مردم نیز یزید را از خلافت خلع کرده، بر همین اساس با عبدالله بن حنظله پیمان بستند و او را برای خود امیر و فرمانروا قرار دادند. حتی منذر بن زبیر که در این ملاقات یک صد هزار درهم از یزید جایزه دریافت کرده بود، وقتی به مدینه بازگشت گفت: «گرچه یزید یک صد هزار درهم به من جایزه داده است، اما این مبلغ، مانع آن نمی‌شود که من خبر او را به راستی به شما نرسانم. به خدا سوگند که یزید شراب می‌خورد و مست می‌شود تا جایی که نماز نمی‌خواند.» منذر در این مورد و در ذم یزید مانند دیگر نمایندگان بلکه می‌توان گفت شدیدتر از آنها به بدگویی از یزید پرداخت. (عسکری، ۱۳۸۸، ص ۲۳۸)

در واقع این سخنان نقطه انفجار مدینه بود و در تاریخ از آن به عنوان آغاز روشنگری در مدینه یاد شده، اما در این انفجار حضرت سجاد (علیه السلام) و خاندان نبوت مستقیماً هیچ نقشی نداشته و مردم هم برای رهبری نهضت جدید، هرگز به آنها مراجعه نکردند و این مسأله جفای مدنی‌ها به خط صحیح امامت و ولایت بود و سرانجام آن شد که بالاخره عبدالله به اتفاق آراء مردم مدینه، یزید را غیباً خلع کرد و منصوبین او را از مدینه خارج و عبدالله انصاری را سرپرست حجاز اعلام نمود. منذر هم با عبدالله بیعت کرد و اعلام نمود که یزید هرگز برای زمامداری لیاقت ندارد، زیرا قاتل امام حسین (علیه السلام) است و به شراب‌خواری و به قمار و کارهای زشت دیگر آلوده است. (قائمی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۹)

۳- واکنش یزید و انتخاب مسلم بن عقبه

بعد از ماجرای بیعت در مدینه، برخی از اخراج شدگان از مدینه که به بنی‌امیه و آل مروان وابستگی داشتند، به شام رفتند و یزید را از جریان مطلع ساختند. یزید که با آن همه بخشش، چنین انتظاری نداشت، به شدت خشمگین شده و تصمیم به سرکوبی شدید شهر پیامبر ﷺ گرفت. ابتدا عبیدالله بن زیاد و سپس عمر بن سعد را برای این کار برگزید، ولی هر دو امتناع کردند و آن گاه به سراغ مسلم بن عقبه (که از فرماندهان سپاه معاویه در جنگ حضرت علی (علیه السلام) بود و در جنگ صفین یک چشم خود را از دست داده بود) رفت. او با قبول دعوت یزید، لشکر مجهزی را آماده کرد و خود فرمانده لشکر شد. این پیر زخم خورده که حدود نود سال عمر داشت، با لشکری انبوه که بالغ بر دوازده هزار نفر بودند، با شعار «یا ثارات عثمان» برای جنگ در تاریخ چهارشنبه ۲۸ ذی الحجه سال ۶۵ هجری قمری آماده شد. (مسعودی، ۱۳۸۲، ص ۶۹) مردم مدینه در سرزمین حرّه (حدود دو کیلومتری) مدینه، با لشکر مسلم روبرو شدند و جنگ شدیدی رخ داد. عده زیادی از مردم مدینه کشته شدند و پس از درگیری کوتاهی عبدالله بن حنظله به شهادت رسید و طرفدارانش پراکنده شدند.

سرانجام مردم مدینه مغلوب شده و به مرقد مطهر پیامبر ﷺ پناهنده شدند. ولی سپاه مسلم به فرمان او با کمال گستاخی و بی‌رحمی به مسجد النبی هجوم بردند و خون مسلمانان مدینه را در کنار قبر پیامبر ﷺ ریختند، به طوری که خون کشته شدگان در کنار قبر پیامبر ﷺ مانند جوی، جاری شد. (یعقوبی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱)

۴- اقدامات عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر که فردی جاه طلب و ظاهرالصلاح بود، اندکی پیش از ورود امام حسین (علیه السلام) به مکه در سال ۶۰ هجری، وارد مکه شده و در آنجا اقامت گزیده بود، ولی در مدت اقامت امام حسین (علیه السلام) در مکه، او تحت الشعاع قرار گرفته، چندان مورد توجه مردم نبود. پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) میدان برای فعالیت او باز شد و در برابر یزید اعلام مخالفت کرده، خود را خلیفه خواند. عبدالله با خاندان امیرمؤمنان (علیه السلام) میانهای نداشت. او در برپایی فتنه جمل نقش مهمی داشت و در دوران فعالیت در مکه، صلوات بر پیامبر ﷺ را از آغاز خطبه حذف کرد، چون در این مورد

از او پرسیدند، گفت: «پیامبر خویشاوندان بدی دارد که هنگام بردن نام او کردن خویش را برمی‌افرازند.» با توجه به این سوابق بود که امام سجاد (علیه السلام) از فتنه او اظهار نگرانی کردند.

۵- نارضایتی مردم از امویان

یعقوبی می‌نویسد: زمانی که عثمان بن محمد، والی مدینه گردید، طبق معمول سالیان گذشته برای بردن صوافی (صوافی از اراضی کشاورزی و نخلستان های متعلق به انصار بود که با بهای بسیار اندک، اموی ها از آن ها خریداری کرده بودند و هر سال عواید آن به خزانه اموی ها واریز می‌شد) به مدینه آمد، اما گروهی از مردم از بردن اموالی که حق خود می‌دانستند، امتناع ورزیدند. در این میان نزاعی بین والی مدینه و مردم رخ داد که منجر به شورش مردم و خروج امویان از شهر گردید. (یعقوبی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۰) البته عامل اساسی وقوع این جریان، تبلیغات حزبی زبیر و گرایش مردم به آنان بود. زیرا مردم حجاز، خصوصاً مردم مدینه گرایش به ابوبکر و عمر داشتند و در ضمن شریک جرم در قتل عثمان نیز بودند، به همین دلیل نزد امویان از مقبولیتی برخوردار نبودند.

علاوه بر این، اهل مدینه در عهد خلافت عمر، از بذل و بخشش‌های فراوانی برخوردار بودند، اما معاویه و پسرش در مورد صوافی با آنان برخورد بدی داشتند که این مسأله زمینه نارضایتی مردم از امویان را فراهم کرد. در این میان ظهور ابن زبیر در صحنه سیاسی و تمایل حجازیان به او و ضعف امویان در حجاز، عامل دیگری برای شورش اهل مدینه بر ضد یزید بود. (بلاذری، ۱۳۷۴، ص ۳۳۷) گفته شده که اخراج بنی‌امیه از این شهر توسط اهالی مدینه به امر عبدالله بن زبیر صورت گرفت. ابن اعثم کوفی می‌نویسد: «رهبر این شورشیان یعنی عبدالله بن حنظله، غسل الملائکه از طرف ابن زبیر والی مدینه بوده است.» (کوفی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۶)

شورشیان به رهبری عبدالله پسر حنظله، امویان و یاران و موالی آنها را که تقریباً هزار نفر بودند، در خانه مروان بن حکم محاصره کرده و پس از آن، با خفت و زاری و در حالی که بچه‌ها سنگسارشان می‌کردند، از شهر بیرون کردند. (رنجبر، ۱۳۸۳، ص ۴۹)

البته بزرگان بنی‌امیه را

قسم دادند که اگر می‌توانند مانع یورش لشکر یزید به مدینه شوند و اگر قادر نیستند به شام نروند و با لشکر یزید همراهی نکنند. چون آن عده از بنی‌امیه قسم یاد کردند، اجازه خروج از شهر به آنان داده شد، با این حال افراد پلیدی مانند مروان و بسیاری دیگر عهدشکنی کردند. (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۸، ص ۲۳۰) در قیام حرّه با وجود این که قیام‌کنندگان سرسختانه اهداف خود را دنبال می‌کردند، متأسفانه به دلیل نداشتن استراتژی مناسب برای حمله و قیام با شکست مواجه شدند و در پی آن ضررها و اثرات ناخوشایندی را برای خود برجا گذاشتند.

۶- فرجام قیام

در ابتدا قبل از آغاز نبرد مسلم سه روز به مردم مدینه مهلت دادند که یکی از این دو چیز را بپذیرند.

۱- بردگی یزید و قبول غلام و کنیز او بودن، به گونه‌ای که یزید به هر گونه که بخواهد در مال و جان و ناموسشان تصرف کند و در این راه احدی جز علی بن الحسین مستثنی نباشد.

۲- قبول مرگ و کشته شدن

مردم مدینه، حاضر به سازش نشدند و در نتیجه مسلم از منطقه سنگستان که به نام حرّه معروف بود وارد شهر شد (سپهر، ۱۳۸۵، ص ۲۰۲)

و لشکر شام را تا سه روز به مردم به همان گونه که گفته بود، مسلط کرد. او خونی به راه انداخت که در هر کوچه‌ای جاری بود. مردم را چون گوسفندان به مسلخ می‌بردند. چه بسیاری از صحابه پیامبر و از پرهیزکاران که کشته شدند، چه دخترانی که بی‌عفت شدند، چه بی‌دینی‌ها و بی‌حرمتی‌هایی که اتفاق افتاد که حتی قلم از نوشتنش شرم دارد. (اشتهاردی، بی‌تا، صص ۶۷ و ۶۸)

سه روز مدینه را غارت کردند، اموال مسلمین را بردند، چهارپایان را به ستون مسجد پیامبر بستند، هر کس برای زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمد، او را با خنجر می‌راندند و بسیاری از بنی‌هاشم را کشتند، از جمله عبدالله بن جعفر همسر حضرت زینب رضی الله عنها دختر حضرت علی رضی الله عنه در واقع در این واقعه دلخراش حدود ده هزار نفر از مردم مدینه کشته شدند که هفتصد نفر آنها از

بزرگان مهاجر و انصار بودند (مفید،

بی‌تا، ص ۱۵۲) و از آل

ابوطالب نیز عده‌ای به

شهادت رسیدند. در چنین شرایطی مسلم بن عقبه، مردم را برای بیعت با یزید مجبور کرد. هر کس بیعت نمی‌کرد، گردن او را می‌زد. مردم از ترس جان خود بیعت می‌کردند، ولی امام سجاد رضی الله عنه و علی بن عبدالله بن عباس بیعت نکردند. (اشتهاردی، بی‌تا، ص ۷۰)

۷- موضع امام سجاد رضی الله عنه در واقعه حرّه

در واقعه حرّه تنها کسانی که بدون قید و شرط از گزند سپاه مسرف (مسلم بن عقبه به خاطر کشتار فجیع و زیادی که در واقعه حره انجام داد او را مسرف بن عقبه نامیدند) در امان ماندند و اقرار به بردگی یزید نکردند، علی بن الحسین رضی الله عنه و علی بن عبدالله بن عباس بودند. (طبری، بی‌تا، ص ۳۷۹) آنچه سبب شد تا امام سجاد رضی الله عنه از این فتنه ایمن بماند، نخست برخوردهای منطقی و سخنان روشنگری است که آن حضرت، در گذشته در برابر مردم شام و نیز با شخص یزید داشت که عکس‌العمل آن حضرت در ذهن شامیان هنوز باقی بود و یزید را متقاعد ساخته بود که بیش از آنچه به اهل بیت صلی الله علیه و آله ستم روا داشته، مجال ظلم به ایشان نیست و با شدت بخشیدن به آن ستم‌ها، حکومتش دستاوردی نخواهد داشت.

دومین نکته‌ای که در این رابطه قابل تأمل و بررسی است، خط مشی آن حضرت پس از رخداد عاشورا است. جاسوسان اموی که در مدینه تعدادشان کم نبود، پس از بازگشت امام از شام به مدینه، تمام روابط و مسائل زندگی آن حضرت را به دقت زیر نظر داشتند تا اگر تحرکی از سوی ایشان، علیه خلافت یزید صورت پذیرد مانع شوند، ولی امام با آگاهی از شرایط و اطلاع از عدم امکان پیشبرد حرکت‌های نظامی و شورش‌های محدود شهری، خود را از چنین جریان‌هایی به دور نگاه می‌داشتند و پیروان خویش را نیز به تبعیت از خود فرا می‌خواندند. این گونه بود که آن حضرت از پیامدهای شورش اهل مدینه آسیبی ندیدند و توانستند اهل بیت را که در جریان کربلا به شدت مورد آزار قرار گرفته بودند، از لهیب حرّه مصون دارند. (ترابی، ۱۳۸۸، صص ۱۳۴ و ۱۳۵)

طبری می‌نویسد: «هنگامی که یزید، مسلم بن عقبه را به سوی مدینه فرستاد، به او گفت اگر علی بن الحسین

رضی الله عنه در کار شورشیان دخالتی نداشت با او

بدرفتاری نکتید.» (طبری، بی‌تا،

نیست! درود فرست بر محمد و خاندان او و از شر او (سپاه دشمن و مسلم بن عقبه) را دور نگاه‌دار و دفع نما! خداوند! من به کمک تو خویش را از خشم و خشونت و کشتار او ایمن می‌سازم و از شر او به تو پناه می‌برم. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۶، ص ۱۱۵)

در نقل دیگر چنین آمده است:

وقتی امام سجاد (علیه السلام) را نزد مسلم بن عقبه بردند، با این که مسلم تا قبل از آن لحظه نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) بدزبانی می‌کرد، با مشاهده آن حضرت مرعوب شد و جلال حضرت در او تأثیر کرد، از جا بلند شد و امام را تکریم کرد و گفت آنچه بخواهید، درخواست کنید! امام (علیه السلام) از آن فرصت به نفع مردم مدینه استفاده کردند و کسانی را که در معرض کشتار بودند، شفاعت نموده و نجات دادند. برخی از ناظران به امام سجاد (علیه السلام) عرض کردند، در مدتی که شما نزد مسلم بودید، لب‌هایتان مشغول ذکر بود. با خود چه می‌گفتید؟ امام (علیه السلام) فرمودند: این دعا را می‌خواندم:

اللهم ربَّ السَّمَوَاتِ السَّيْعِ و ما أَظْلَلْنَ، و ربَّ الأَرْضِينَ السَّيْعِ و ما أَقْلَلْنَ، و ربَّ الشَّيَاطِينِ العَظِيمِ، ربِّ مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطَّاهِرِينَ، و أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا، و شَرِّ أَهْلِهَا، و أُدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤْتِيَنِي خَيْرَهُ، و تَكْفِينِي شَرَّهُ؛ خدایا ای پروردگار هفت آسمان و آنچه سایه افکندند و پروردگار هفت زمین و آنچه حمل کردند و پروردگار شیاطین بزرگ و پروردگار محمد و آل مطهرش، پناه می‌برم به خدا از شر شیاطین و از شر اهل آن قریه از کمین دشمن و از تو طلب می‌کنم که خیر آنجا را به من برسانی و شر آنجا را از من دفع کنی. (مسعودی، ۱۳۸۲، ص ۷۰)

از سوی دیگر مجلسیان به مسرف بن عقبه گفتند: تا قبل از این مجلس نسبت به اهل بیت ناسزا می‌گفتی، چگونه شد که این جوان را تا بدین پایه احترام کردی! مسرف گفت: آنچه انجام دادم خارج از اختیار من بود، سینه‌ام از بیم لبریز بود.

این امر، دور از تعالیم و باورهای دینی نیست، بلکه آیات و روایات معصومین (علیهم السلام) و وقوع چنین مواردی و راهیابی چنین بیم‌هایی را در قلب

گذشته از تحلیل‌ها و محاسبه‌هایی که در علت مصونیت امام سجاد (علیه السلام) از واقعه حرّه گفته شد، عوامل مهمتری نیز وجود دارد که از زوایای دیگر قابل تأمل است.

در محاسبات بشری، معمولاً عوامل و روابط مادی و ظاهری مورد توجه قرار می‌گیرد، ولی در مورد امام سجاد (علیه السلام) علاوه بر این عوامل و روابط ظاهری باید به جنبه‌های معنوی و الهی نیز توجه داشت. بر اساس عقیده شیعه، امام حجت خدا روی زمین است و خداوند وجود حجتش را از نابودی حفظ می‌کند، چنان که حضرت ابراهیم (علیه السلام) را از آتش نمرودیان به سلامت خارج ساخت و موسی (علیه السلام) را در دامان فرعون پرورید و رشد داد. البته مشیت الهی و تحقق اراده او در حفظ وجود امام سجاد (علیه السلام) منافاتی با مهیّا بودن شرایط و مقتضیات مادی و ظاهری ندارد، چنان که در جریان کربلا، با عارض شدن بیماری بر امام، تکلیف جهاد از آن حضرت ساقط شد و دشمن از کشتن وی صرف نظر کرد.

در کنار این همه، دعاها و نیایش‌های امام سجاد (علیه السلام) و التجای ایشان به درگاه خداوند برای محفوظ داشتن وی از شرّ یزید و یزیدیان نیز بی‌تأثیر نبود؛ چنان که در برخی منابع تاریخی آمده است: «هنگام یورش سپاه شام به مدینه، امام سجاد (علیه السلام) به قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نزدیک شدند و به درگاه خداوند التجا آوردند و دعایی بدین مضمون قرائت کردند:

رَبِّ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي وَ كَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ ابْتَلَيْتَنِي بِهَا قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرَمْنِي وَ قَلَّ عِنْدَ بَلَاءِهِ صَبْرِي فَلَمْ يَخْذُلْنِي يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقُطُ أَبَدًا وَ يَا ذَا النُّعْمَاءِ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَدًا صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ادْفَعْ عَنِّي شَرَّهُ فَإِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ وَ أَسْتَعِذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ؛ پروردگار! چه بسیار نعمت‌هایی که بر من ارزانی داشتی، ولی شکر من در قبال آنها اندک و ناچیز بود و چه بلاها که مرا بدان آزمودی و مبتلا کردی و من شکیبایی نورزیدم، ای خداوندی که بر اثر ناسپاسی‌ها، نعمت‌هایی را از من دریغ نداشتی و مرا محروم ساختی! ای خداوندی که بر اثر ناشکیبایی‌ها مرا خوار و مطرود نمودی! ای نیکی‌کننده‌ای که لطف و رحمتت همواره جاری است! ای نعمت‌آفرینی که

مستکبران گواهی می‌دهد.

چنانچه خداوند در چهار سوره قرآن کریم (آل عمران، آیه ۱۵۱/ انفال، آیه ۱۲/ احزاب، آیه ۲۶/ حشر، آیه ۲)، از مقهور گشتن کافران و مستکبران به وسیله بیمی که خداوند در قلب ایشان افکنده، سخن به میان آورده است. در یکی از آن آیات می‌فرماید:

«فَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ؛ انتقام الهی از جایی به سراغشان آمد که ایشان گمان نمی‌کردند و خداوند رعب و وحشت در قلب‌های آنان افکند.» (حشر، آیه ۲)

این معنا در احادیث متعددی نیز آمده است:

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

مَنْ خَافَ اللَّهَ، أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ؛ وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ، أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ؛ (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۳، ص ۱۷۵)

کسی که خوف الهی داشته باشد و از مخالفت با خداوند بیمناک باشد، خداوند هم به او هیبتی می‌دهد که همگان از او بیمناک باشند و کسی که از مخالفت با خدا بیم نداشته باشد، خداوند او را از همه چیز ترسان و نگران خواهد ساخت. (ترابی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷)

۲-۱- پناه دادن امام سجاد (علیه السلام) به خانواده‌های علوی و اموی

در جریان واقعه حرّه و هجوم شامیان به مدینه بسیاری از خانواده‌ها، همسر و فرزندان خود را به خانه امام سجاد (علیه السلام) فرستادند و از آن حضرت پناه خواستند و در پناه آن حضرت، تا پایان اشغال مدینه در امنیت و سلامت به سر بردند و از تعرض در امان ماندند. (ترابی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰)

برخی از منابع نوشته‌اند: زمانی که سپاه یزید، قصد حمله به مدینه کرد تا جان، مال و ناموس اهل آن شهر را مورد تعرض قرار دهد، علی بن الحسین (علیه السلام) چهار صد تن را در میان خانه و خاندانش پناه داد و تا زمان بازگشت سپاه و خروج آن از مدینه این چهارصد نفر را مورد پذیرایی قرار داد. ایمنی و آسایش این گروه در پناه امام سجاد (علیه السلام) بدان حدّ بود که برخی از ایشان گفتند: ما چنین آسایش و زندگی آرامی که در خانه علی بن

الحسین (علیه السلام) دیدیم، حتی در خانه پدرمان شاهد نبوده‌ایم. (طبری، بی‌تا،

ص ۳۳۳)

در برخی منابع دیگر آمده است که امام سجاد (علیه السلام)

قبل از هجوم شامیان، شرایط دشوار آینده را پیش بینی کرده، خاندان خود را از مدینه خارج ساختند و به منطقه‌ای به نام «بَنِيع» (بنیع قریه ای است با چشمه های فراوان که در سمت راست کوه (رضوی) قرار داشته و متعلق به بنی الحسن بوده است.) فرستادند تا از فجایع شامیان ایمن باشند، (طبری، بی‌تا، ص ۳۷۲) اما مستندات محکم‌تر، قول اول را تقویت می‌کند که خانواده حضرت و دیگر خانواده‌ها به به ایشان پناه آوردند.

از جمله خانواده‌هایی که به امام سجاد (علیه السلام) پناه آوردند، خانواده مروان است و این نکته نشان می‌دهد که تنها علویان و یا بستگان نزدیک آنان از لطف و بزرگواری امام بهره‌مند نبودند، بلکه همه کسانی که به آن حضرت پناه می‌آوردند، حتی عناصر بدخواه و بدسابقه‌ای چون مروان از کرامت ایشان بهره‌مند می‌شدند، البته باید یادآور شد که پناه‌خواهی مروان برای خانواده‌اش از امام سجاد (علیه السلام) مربوط به زمان یورش شامیان نبوده، زیرا مروان خود از بنی‌امیه و مورد حمایت سپاه شام بود، بلکه پناهندگی خانواده مروان مربوط به ماجرای اخراج بنی‌امیه از مدینه است که در جریان آن حدود هزار نفر از بنی‌امیه از مدینه رانده شدند و مروان در صدد پناه دادن به خانواده‌اش برآمد که امام سجاد (علیه السلام) به آنان پناه دادند و در این زمینه امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: «اگر قاتل پدرم شمشیری را که با آن پدرم امام حسین (علیه السلام) را به شهادت رسانده، نزد من به امانت گذارد، در امانت کوتاهی نکرده و به او باز می‌گردانم.» (رنجبر، ۱۳۸۳، ص ۱۵۱)

۸- نتیجه گیری

شیعیان در دوره‌های مختلف تاریخی، شرایط سختی را گذرانیده‌اند، اما دوران امام سجاد (علیه السلام) یکی از پر اختلاف‌ترین این دوره‌ها به شمار می‌آید؛ زیرا شیعیان بعد از قیام عاشورا به خاطر فضایی که بر جامعه حاکم گردیده بود، کمتر توانستند از رهنمودهای امام سجاد (علیه السلام) بهره گیرند. بنابراین شیعه هم از بُعد اعتقادی و هم از بُعد سیاسی و دینی در وضعیت بسیار بدی به سر می‌برد.

لازم به ذکر است از جمله وقایع اسفبار عصر امام سجاد (علیه السلام) که به دست عمّال جنایتکار اموی در مدینه

صورت گرفت، واقعه حرّه بود. شرح ماجرا آن بود که پس از واقعه عاشورا اهل مدینه به رهبری عبدالله بن حنظله، امویان و یاران و موالیان آنان را که قریب به یک هزار نفر بودند و برای گرفتن صوافی وارد مدینه شده بودند را در خانه مروان بن حکم محاصره کردند و سپس مروان و اطرافیان او را با خفت و خواری از شهر راندند. چون خبر این حرکت مردم مدینه و اخراج امویان به یزید رسید، وی مسلم بن عقبه را که مردی سالخورده و از سرسپردگان بنی‌امیه بود را با ده هزار نفر برای سرکوبی نهضت به مدینه فرستاد و به وی گفت طی سه روز هرچه دارند از اموال و اساس منزل و سلاح و طعام همه را غارت کن و در اختیار سپاه بگذار. سپاه شام به مدینه یورش برد و پس از وقوع جنگی خونین بین دو گروه، قیام عبدالله بن حنظله در منطقه حرّه شکست خورد و مسلم بن عقبه هم به مدت سه روز، دست سپاهیان خویش را در کشتن و غارت شهر باز گذاشت و شامیان جنایاتی مرتکب شدند که قلم از نوشتن آن شرم دارد تا آنجا که مسلم از مردم مدینه به عنوان برده‌ی یزید بیعت گرفت. امام سجاد (علیه السلام) به خاطر فراهم نبودن شرایط سیاسی، عدم همراهی مردم به علت رعب و وحشت و شرایط سیاسی نامناسب در این قیام شرکت نکردند.

فهرست منابع

- ❖ قرآن مجید، ترجمه ابوالفضل بهرام پور، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۸۷.
- ۱. ابن قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم، **امامت و سیاست تاریخ خلفا**، ناصر طباطبایی، چاپ سوم، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۸۸.
- ۲. اشتهاردی، محمد مهدی، **نگاهی بر زندگی امام سجاد (علیه السلام)** چاپ اول، بی‌جا، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، بی‌تا.
- ۳. بلاذری، احمد بن یحیی، **انساب الاشراف**، محمد باقر محمودی، قم، انتشارات احیاء ثقافه اسلامیة، ۱۳۷۴.
- ۴. ترابی، احمد، **امام سجاد (علیه السلام) جمال نیایشگران**، چاپ سوم، مشهد، مؤسسه و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸.

- ۵. حیدری، احمد، **زندگانی امام سجاد (علیه السلام)** مشهد، نمایندگی ولی فقیه در جهاد سازندگی استان خراسان، ۱۳۷۳.
- ۶. دعایی، محمد حسن، **اسوه کامل**، چاپ اول، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۸۰.
- ۷. رنجبر، محسن، **نقش امام سجاد علی (علیه السلام) در رهبری شیعه**، چاپ سوم، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳.
- ۸. سپهر، محمدتقی، **گزیده ناسخ و التواریخ**، ج ۵، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵.
- ۹. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ طبری**، ابوالقاسم پاینده، ج ۶، چاپ اول، بی‌جا، انتشارات اساطیر، بی‌تا.
- ۱۰. عسکری، مرتضی، **سقیفه**، چاپ دوم، تهران، مرکز فرهنگی انتشارات منیر، ۱۳۸۸.
- ۱۱. قائمی، علی، **در مکتب پیشوای ساجدان**، چاپ اول، قم، انتشارات امیری، ۱۳۷۶.
- ۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، ج ۳، چاپ اول، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ ه.ق.
- ۱۳. کوفی، ابومحمد احمد بن اعثم، **الفتوح**، غلامرضا طباطبایی، ج ۶، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۱۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **تاریخ چهارده معصوم (علیهم السلام)**، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۸۰.
- ۱۵. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، **بحار الانوار**، ج ۴۶، چاپ دوم، بیروت، در احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۱۶. مسعودی، علی بن حسین، **مروج الذهب**، ابوالقاسم پاینده، ج ۲، چاپ هفتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- ۱۷. مفید، محمد بن محمد، **الارشاد فی معرفه حج الله علی العباد**، هاشم رسول محلاتی، ج ۲، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات علمیه اسلامیة، بی‌تا.
- ۱۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق، **تاریخ یعقوبی**، محمد ابراهیم آیتی، ج ۲، چاپ دهم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.

تحلیل نگاه قرآن به حیوانات

مرضیه حسن پور

چکیده

حیوان موجودی ذی روح است که فاقد هر گونه خرد و عقل انسانی است. حیوانات دسته بزرگی از مخلوقات خداوند هستند که انواع گوناگونی دارند و در آیات قرآنی و روایات اسلامی به آنها توجه ویژه‌ای شده است تا جایی که در بیش از ۲۰۰ آیه از قرآن کریم به بحث درباره حیوانات و وجوه مختلف حیات آنان پرداخته شده است. دسته‌ای از آیات قرآنی برای نشان دادن عظمت پروردگار و همچنین شناسایی بیشتر این مخلوقات، از فواید خاص برخی حیوانات صحبت کرده‌اند، فوایدی مانند شیردهی، باربری، استفاده از پشم آنها برای تهیه پوشاک و ... در مقابل در دسته‌ی دیگری از آیات قرآنی از جایگاه ارزشی حیوانات، تکلیف و حشر آنان صحبت کرده است که حیوانات هم دارای حشر هستند و در دنیا نیز از رزق و روزی خداوند بهره می‌گیرند، همچنین حیوانات مانند دیگر موجودات هستی خداوند متعال را تسبیح و تقدیس می‌کنند. در دسته‌ای دیگر از آیات قرآن، احکام رفتار با حیوانات که شامل احکام ذبح، نگهداری، تغذیه، استراحت و تولید مثل حیوانات است، سخن به میان آمده است که حیوانات باید از تغذیه مناسب برخوردار باشند و از عقیم کردن آنها پرهیز کرد و حتی مواقعی را به استراحت آنها اختصاص داد و این مسأله چنان مورد توجه است که بی‌توجهی به حقوق آنها عواقب دنیوی مانند به خطر افتادن نسل حیوانی و انسانی و عواقب اخروی مانند عذاب‌های برزخی و دوزخی را به دنبال خواهد داشت.

کلید واژه ها: حقوق، حیوان، قرآن، خلقت، رفتار با حیوان، حشر.

۱- مقدمه

قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به توجه و دقت در جهان آفرینش فرا خوانده و از سوی دیگر، خود آیاتی دارد که به

صورت صریح یا اشاره، حقایقی را از راز و رمز جهان بیان کرده است.

اهمیت این مطلب چنان است که ۶ سوره‌ی قرآن کریم به نام حیوانات نامگذاری شده است و در بیش از ۲۰۰ آیه قرآن اشاراتی کوتاه و بلند به وجوه مختلف حیات حیوانات آمده است که این آیات بیشتر شامل بیان آفرینش، نحوه زندگی، منافع حیوانات، لزوم درس‌آموزی و بهره‌گیری از آنان و احکام فقهی مربوط به آنها می‌باشد.

قرآن کریم در مسیر هدایت انسان‌ها، از عبرت‌آموزی از حیوانات صحبت کرده است، زیرا اولین مرحله شناخت برای بسیاری از انسان‌ها، متوقف بر امور محسوس طبیعی، سیر در پدیده‌های طبیعی، شناخت جهان پیرامون و از جمله آنها شناخت حیوانات است تا با چنین شناختی و همچنین بهره‌گیری از نیروی عقل و تعالیم آسمانی انبیاء، به یقین و معرفت الهی دست یابد.

شناخت و بررسی آیات قرآنی که در مورد حیوانات آمده است، انسان را با بخشی از شگفتی‌ها، زیبایی‌ها و راز و رمز نهفته در خلقت آنها آشنا می‌سازد و انسان را از موقعیت و منزلت آنها آگاه می‌سازد، به گونه‌ای که دیگر به خود اجازه نمی‌دهد که به این مخلوقات بزرگ الهی بی‌اعتنا باشد و با اعمال خود میلیون‌ها حیوان را در معرض نابودی قرار دهد.

این تحقیق که با عنوان تحلیل نگاه قرآن به حیوان است، سبقه پژوهشی زیادی ندارد هرچند که به طور کلی تحقیقاتی شده است که بیشتر آنها غالباً منحصر به همین سال‌های اخیر می‌شود و تحلیل و تحقیق مستقل و کاملی در این زمینه صورت نگرفته است، اما در این تحقیق سعی می‌شود به صورت مستقل و مجموعه‌ی مدون از چیستی حیوانات و جایگاه ارزشی آن‌ها در قرآن، فواید مختلف حیوانات، احکام رفتار با حیوانات از منظر قرآن و پیامدهای بی‌توجهی به حقوق حیوانات بحث شود و مطالب نسبتاً جامعی در اختیار مخاطب قرار گیرد.

۲- چیستی شناسی حیوانات و اقسام آن

حیوان واژه‌ای عمومی است که به هر گونه ذی‌روح اطلاق می‌شود و انسان را نیز که او را حیوان ناطق می‌خوانند، در برمی‌گیرد. در متون فقهی این واژه غالباً به موجود ذی‌روح فاقد خرد و تعقل اطلاق شده است که معادل آن در زبان فارسی کنونی جانور است.

به بیان دیگر، به هر موجود جاندار - اعم از انسان و غیر انسان - حیوان اطلاق می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۵)؛ اما کاربرد رایج و عمومی آن، موجود زنده غیر انسان است که در اینجا همین معنا مورد نظر است.

حیوان به معنای زنده بودن، زندگی، زندگانی است. (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۶، ص ۹۲۵۶)

و در واقع حیوان آن چیزی که دارای حیات و زندگی است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۷۲)

در مورد تعریف و چیستی حیوانات در قرآن باید دانست که در آیات و روایات به صراحت درباره‌ی نوع خمیر مایه آفرینش حیوانات بحث نکرده‌اند، تنها چیزی که از این آیات به دست می‌آید آن است که آب را در آفرینش موجودات (دست کم موجودات زمینی) مؤثر می‌داند. (انبیاء، آیه ۳۰ / نور، آیه ۲۵)

بر این اساس می‌توان چنین استدلال و استنباط کرد که یکی از مواد اولیه آفرینش هر حیوانی، آب است.

همچنین از آیات ۴۹ آل عمران و ۱۱۰ مائده نیز به صورت غیر مستقیم برداشت می‌شود که خاک از عناصر تشکیل دهنده حیوانات است.

۲-۱- اقسام حیوان

به یقین حیوانات مظهر لطف و رحمت بی‌پایان خداوندی در طبیعت هستند و همه آنها مثمر ثمر بوده و فواید بسیاری دارند به عنوان مثال دانشمندی به نام «میشله» می‌گوید: «بی وجود پرندگان، زمین طعمه حشرات خواهد بود.»

به عنوان مثال: پرستو در روز بیش از ششصد کیلومتر طی طریق می‌کند و میلیون‌ها مگس می‌گیرد. (انصاریان، ۱۳۸۸، صص ۴۱۷-۴۱۶)

خداوند به گونه‌های مختلف، حیوانات و انواع آنها را در قرآن به تصویر می‌کشند، البته منظور از

این یادآوری‌ها، گاهی برای تذکر،

گاهی برای انذار، گاهی برای ترغیب انسان به

سمت علم و عمل است، ولی به طور کلی حیوانات به لحاظ نوع به دریایی و خشکی، پرنده و غیر پرنده، دارای خون جهنده و خون غیر جهنده تقسیم می‌شوند و به لحاظ حکم به حلال گوشت و حرام گوشت، پاک و نجس، قابل تزکیه و غیر قابل تزکیه تقسیم می‌شوند و در تقسیم‌بندی دیگری به بی‌مهرگان، نرم تنان، بندپایان و مهره‌داران تقسیم می‌شوند.

۳- کاربرد واژه حیوان در آیات قرآنی

تعدادی از سوره‌های قرآن کریم به اسم حیوانات نامیده شده‌اند مانند بقره (گاو) که بزرگ‌ترین سوره‌ی قرآن است و فیل که یکی از کوچک‌ترین سوره‌های قرآن است. البته سوره‌های دیگری هم در قرآن به نام حیوانات نامگذاری شده است، مثل: انعام (چهارپایان)، نحل (زنبور)، نمل (مورچه) و عنکبوت و ... به هر صورت خدای متعال ایمان آورندگان به خود را در قرآن کریم به فراگرفتن این نگاه به حیوانات که آنان نشانه‌ای از عظمت پروردگار هستند، دعوت کرده است. (قدسی پور، ۱۳۹۱، ص ۴)

چنانچه می‌فرمایند: «وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ»؛ و نیز در آفرینش شما و جنبندگانی که (در سراسر زمین) پراکنده ساخته، نشانه‌هایی است برای گروهی که اهل یقینند.» (جاثیه، آیه ۴)

خداوند در آیات قرآنی از چند نگاه به حیوانات اشاره کرده‌اند که یا از لحاظ خلقت است یا از این جهت که مورد تشبیه و عبرت‌آموزی انسان‌ها قرار گرفته‌اند، یا از حشر حیوانات و احکام آنها صحبت شده است و گاهی به خاطر اینکه حیوانات مأموران الهی و واسطه‌هایی برای خیر و عذاب یا تنبیه هستند از آنها صحبت شده است.

۳-۱- توجه دادن به خلقت حیوانات

خداوند در آیاتی می‌گویند به حیوان و آفرینش آن نگاه کن، درس بگیر و حرکت کن.

آیات ۶۶، ۶۹ و ۷۸ سوره‌ی نحل و

همچنین آیه ۱۷ سوره‌ی غاشیه به

این موضوع اشاره می‌کند.

در آیه ۱۷ سوره‌ی غاشیه خداوند انسان را به تدبیر در آفرینش شتر متوجه می‌کند. این حیوان ویژگی‌های عجیبی دارد که او را از حیوانات دیگر ممتاز می‌سازد و به حق آیتی است از آیات خداوند. بعضی از چهارپایان تنها از گوشتشان استفاده می‌شود (مانند گوسفند، میش) و بعضی دیگر غالباً از شیرشان (مانند گاو) و بعضی دیگر تنها برای سوارکاری سودمندند (مانند اسب) و بعضی برای باربری (مانند الاغ)، اما شتر حیوانی است که تمام این جهات در آن جمع است.

۳-۲-۲- ذکر فواید حیوانات

۳-۲-۱- استفاده از گوشت و شیر

حیوانات اهلی برای بشر فایده‌های بسیاری دارند و ارزش و منزلت این خاصیت را اعراب زمان نزول قرآن بیشتر می‌دانستند، زیرا تمامی نیازهایشان مانند تهیه گوشت و شیر از این گونه حیوانات برطرف می‌شد. البته در عصر حاضر نیز این نیاز شدید به مواد غذایی و پروتئین حیوان، همچنان غیرقابل انکار است، زیرا شیر چهارپایان و حیوانات اهلی، بهترین و سالم‌ترین غذا برای انسان‌ها است.

سند این مطلب در قرآن کریم آنجاست که خداوند می‌فرماید: «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبِئْسَ خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ؛ و در آفرینش چهارپایان، برای شما (درس‌های) عبرتی است، از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نوشانیم.» (نحل، آیه ۶۶)

۳-۲-۲- پشم و پوست حیوانات

از دیگر خواص و فواید حیوانات حلال گوشت برای بشر، استفاده از پوست و پشم و ... آنان است که قبل از صنعتی شدن جوامع بشری، به خوبی از این نعمت‌ها استفاده می‌کردند.

خداوند می‌فرماید:

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ أَصْوَابِهَا وَ أَوْبَارِهَا وَ أَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَ مَتَاعًا إِلَى

چین؛ و خداوند برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت و (آرامش) قرار داد و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه‌هایی (خیمه‌هایی) قرار داد که در کوچ کردن و روز اقامتان، به آسانی می‌توانید آنها را جا به جا کنید و از پشم‌ها و کرک‌ها و موی‌های آنها بر شما تا زمان معینی وسایل زندگی قرار داد. (نحل، آیه ۸۰)

۳-۲-۳- بهره‌گیری در حمل و نقل

یکی دیگر از فوایدی که در قرآن کریم برای حیوانات ذکر شده، استفاده از آنها به عنوان مرکب است.

«اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ؛ خداوند کسی است که چهارپایان را برای شما آفرید تا بعضی را سوار شوید و از بعضی تغذیه کنید.» (غافر، آیه ۷۹)

در وصف مرکب، گاهی در قرآن از آن به «نعمت دنیا» تعبیر شده است. چنان که پیامبر ﷺ فرمودند: «سه چیز از نعمت دنیاست، اگر چه برای دنیا نعیمی نیست؛ مرکب راهوار و زن پارسا و خانه وسیع.» (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۴۲۵)

چون آدمی در مواردی مانند حمل بار و مسافر به مرکب و وسیله نقلیه نیاز دارد و در گذشته نیز مناسب‌ترین وسیله نقلیه، حیوان بوده، اسلام هم به این نکته توجه کرده و برای بهره‌گیری از آنها آدابی مقدر کرده که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱ - نام خدا به زبان آوردن هنگام سوار شدن

۲ - مدارا کردن با حیوان

۳ - بهره‌گیری عادلانه در حیوان سواری

۴ - رعایت توان حیوان در پیمودن مسیر

۵ - نچیدن یال و دم حیوان (جوادی آملی، ۱۳۹۱، صص

۶۵۶-۶۴۹)

۳-۲-۴- قربانی کردن

مردم بت‌پرست در زمان جاهلیت برای تقرب و نزدیکی به خدایان خود، علاوه بر حیوانات، فرزندان خویش را به اجبار پادشاهان و فرمانروایان خود در پیشگاه بتان قربانی می‌کردند، اما دین مترقی اسلام، قربانی کردن فرزندان را حرام و

ممنوع اعلام کرد، ولی قربانی کردن چهارپایان را برای رضای الهی مجاز شناخت. (قدسی پور، ۱۳۹۱، ص ۲۸)

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ؛ و برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم تا نام خدا را (به هنگام قربانی) بر چهارپایانی که به آنان روزی داده‌ایم، ببرند.» (حج، آیه ۳۴)

بهیمة الانعام: چهارپایانی که درنده نباشند، چون گوسفند، شتر و گاو با ذبح قابل خوردن می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۴، ص ۴۱)

۴- جایگاه ارزشی حیوانات از منظر قرآن

۴-۱- قسم به حیوانات

پرداختن به جانوران در قرآن بازتاب فراگیر و درخور تأمل دارد. این جایگاه آنجا مشخص می‌شود که این مسأله در بالاترین معجزه قرن یعنی قرآنی مطرح شده که کتاب منحصر جانور شناسی نیست. در این کتاب جانداران تحقیر نشده‌اند، بلکه گاه به جانور قسم یاد شده، چنان که به نفس انسانی که اشرف مخلوقات است قسم یاد می‌شود و این منتهای مهرورزی و احترام به حیوان است. (انصاریان، ۱۳۸۵، ص ۴۱۹)

«وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا، فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا، فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا، فَأَأْتِرْنَ بِهِ نَعْفًا، فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا؛ سوگند به اسبان دونده‌ای که همه‌کنان [به سوی جنگ] می‌تازند و سوگند به اسبانی که با کوبیدن سمشان از سنگ‌ها جرقه می‌جهانند و سوگند به سوارانی که هنگام صبح، غافلگیرانه به دشمن هجوم می‌برند و به وسیله آن هجوم، گرد و غبار فراوانی برمی‌انگیزند.» (عادیات، آیات ۵-۱)

در این سوره خدای متعال سه بار به اسب با عناوین عادیات، موریات و مغیرات قسم یاد کرده‌اند.

۴-۲- تکلیف حیوانات

اولین مرحله در اثبات تکلیف برای هر موجودی اعم از انسان و حیوان، دارا بودن شعور است، زیرا تکلیف بدون ادراک و شعور امری باطل و محال است. براساس این آیه هر یک از انواع حیوانات و

پرندگان برای خود امتی هستند

همانند انسان‌ها و این شباهت و همانندی از

نظر درک و فهم و شعور است؛ یعنی آنها نیز در

عالم خود دارای علم و شعور و ادراک هستند، خداوند را می‌شناسند و به اندازه‌ی توانایی خود او را تسبیح و تقدیس می‌گویند. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۲۲)

به عنوان مثال: ۱- تعلیم سگ‌شکاری و سگ‌نگهبان، نشانه‌ی آگاهی خاص آن حیوان است.

۲- حرف زدن پرندگان با یکدیگر و افتخار حضرت سلیمان (علیه السلام) به این که خداوند، زبان پرندگان را به او آموخته است. «عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ» (نمل، آیه ۱۶)

تکلیف مراحل دارد و هر مرحله ادراک عقلی متناسب خود می‌خواهد. تکلیف فراوانی که در قوانین اسلامی برای یک انسان وجود دارد به قدری است که بدون داشتن یک سطح عالی از عقل و درک، انجام آنها ممکن نیست و ما هرگز نمی‌توانیم چنان تکلیفی را برای حیوانات بپذیریم، اما مرحله‌ی پایین‌تری از تکلیف نیز تصور می‌شود که مختصر فهم و شعور برای آن کافی است که ما نمی‌توانیم چنان فهم و شعور و چنان تکلیفی را به طور کلی درباره‌ی حیوانات انکار کنیم.

تکلیف نداشتن حیوانات در دنیا ضروری در حشر آنها و محاسبه و قصاص ندارد. به عبارت دیگر ملازمه‌ای بین تکلیف و رستاخیز نیست، زیرا قصاص، پاداش و کیفر، توقف بر تکلیف ندارد، همان گونه که شخص اگر در حالت خواب به دیگری آسیب مالی یا جانی بزند، محکوم به غرامت می‌شود، زیرا حق دیگری را پایمال و ضایع کرده است، اگر چه در حالت خواب و بی‌هوشی تکلیف ندارد. (www.hawzah.net)

در برخی از روایات از بازخواست الهی نسبت به برخی از حیوانات سخن گفته شده است که احتمال محاسبه اخروی را تقویت می‌کند؛ بر این اساس آنها هم در مورد برخی از اعمال و رفتارهایشان مورد مؤاخذه و محاسبه قرار خواهند گرفت.

ابوذری می‌گوید: «خدمت پیامبر ﷺ

بودیم که پیش روی ما دو بز به

یکدیگر شاخ زدند، پیغمبر

فرمودند: می‌دانید

چرا این ها به یکدیگر شاخ زدند؟
حاضران گفتند: نه، پیامبر ﷺ فرمودند: ولی خدا می‌داند چرا و به زودی در میان آنها داوری خواهد کرد.» (مجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۷، ص ۲۵۶)

۴-۳- حشر حیوانات

شواهد قرآنی بر حشر موجودات دیگر غیر از انسان وجود دارد و دیدگاه قرآن در این باره روشن و مسلم است، پس به ذکر همه‌ی شواهد قرآنی برای آن نیازی نیست و در این قسمت تنها بخشی از این ادله مورد تفحص قرار می‌گیرد.

از جمله آیاتی که دلالت بر حشر خصوصاً حیوانات می‌کند این آیه است: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلَكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ؛ هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال پرواز می‌کند نیست مگر این که آنها امت‌هایی مانند شما انسان‌ها هستند و ما در کتاب، هیچ چیز را فروگذار نکردیم، سپس تمام حیوانات [همانند شما انسان‌ها] در قیامت به سوی پروردگارت محشور می‌شوند.» (انعام، آیه ۳۸)

امت به هر گروهی که در امر واحدی مثل دین، زبان، آداب و رسوم، زمان و مکان مشترکند گفته می‌شود؛ اعم از این که این امر جامع، تسخیری یا اختیاری باشد. حشر در لغت جمع و گردآوری توأم با در هم شکستن و راندن است و محشر، محل جمع کردن است. روز حشر، روز بعث و معاد است. پس این آیه شامل حشر حیوانات هم می‌شود.

علاوه بر آن، روش روزی رساندن خداوند به موجودات مختلف، به راستی حیرت‌انگیز است، از جنینی که در شکم مادر قرار گرفته تا حشرات گوناگونی که در اعماق تاریک زمین و لانه‌های پر پیچ، مخفی و پنهان نیستند و همانگونه که قرآن کریم می‌فرماید خداوند، هم جایگاه و آدرس اصلی آنها را می‌دانند و هم محل سیر آنان را و در هر جا باشند، روزیشان را به آنان حواله می‌کنند. (پایانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۲۵)

۴-۴- رزق و روزی حیوانات

علم دقیق خداوند به

انواع حیوانات منشأ تأمین روزی آنهاست.
«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ؛ و هیچ زنده متحرکی در این زمین (از حیوان و جن و انس) نیست مگر آن که روزی او بر عهده خداوندست، او قرارگاه اصلی آنها و جایگاه موقت آنها را می‌داند (قرارگاه موقت آنها در صلب پدر و مادر) و او محل استقرارشان را (در حال حیات) و مقر تودیعشان را (پس از مرگ) می‌داند. همه در کتابی روشن ثبت است.» (هود، آیه ۶)
«وَ كَايِنٍ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا؛ و چه بسیار از جنبنده‌گان که روزی خود را بر نمی‌گیرند (و ذخیره نمی‌کنند مانند اغلب حیوانات خشکی و دریا) خدا آنها و شما را روزی می‌دهد و او شنوا و داناست.» (عنکبوت، آیه ۶۰)

۴-۵- عبادت حیوانات

طبق بیان قرآن و جهان بینی الهی، نه تنها انسان بلکه تمام حیوانات و کائنات و ذرات به نوعی دارای شعورند و به ستایش و تسبیح و سجود برای خدای متعال مشغولند. خدای متعال در آیه ۱۸ سوره حج می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقٌّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ؛ آبا ندیده‌ای که هرکس در آسمان‌ها و هرکس در زمین است و آفتاب و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبنده‌گان و بسیاری از مردم خدا را سجده می‌کنند؟»

و همچنین در آیه ۴۴ سوره اسرا آمده است: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيمًا غَفُورًا؛ هفت آسمان و زمین و هرچه در آنهاست، تسبیحش می‌کنند و هیچ موجودی نیست جز آن که او را به پاکی می‌ستاید، ولی شما ذکر تسبیحشان را نمی‌فهمید، او بردبار و آمرزنده است.»

هر مخلوقی، خدای سبحان را تسبیح و تقدیس می‌کند، ولی هر کدام به نسبت صفت و خصوصیتی

که دارند، خداوند را تسبیح و تقدیس می‌کنند. به عبارت واضح‌تر همان وجود و صورت موجود غیر انسانی، دلیل بر وجود یک مصدر و صورت دهنده‌ی خالق و حکیم می‌باشد. (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۱۰، ص ۵۹)

۵- احکام رفتار با حیوانات از منظر قرآن

۵-۱- شکار و ذبح

از آنجا که انسان‌ها دارای عقل، شعور و قدرت تشخیص هستند، باید با حیوانات رفتاری پسندیده، معقول و مناسب با آنها داشته باشند. قرآن کریم هم، بشر را نسبت به رعایت حقوق حیوانات و قوانینی که مناسب حال آنها و انسان‌هاست، ملزم نموده و مردم را از خوردن گوشت حیواناتی که غیر قانونی و با رفتاری زشت کشته شده‌اند، برحذر داشته است. (قدسی پور، ۱۳۹۱، ص ۳۲)

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّبْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسْقٌ (گوشت) مردار و خون و گوشت خوک و حیوانی که به غیر نام خدا ذبح شود و حیوان خفه شده و به زجر کشته شده و حیوانی که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرد و حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشد و باقیمانده صید حیوان درنده - مگر آن که (به موقع به آن شکار برسید) و آن را سر ببرید - و حیوانی که روی بت‌ها (یا در برابر آنها) ذبح می‌شود، (همه) بر شما حرام شده است، (همچنین) تقسیم کردن (گوشت حیوان) به وسیله چوبه‌های تیر مخصوص بخت‌آزمایی؛ تمام اینها اعمال، فسق و گناه است.» (مائده، آیه ۳)

روح حاکم بر آموزه‌های اسلامی، پرهیز از کشتن چهارپایان و جانوران بی‌آزار است، مگر در مواردی که بهره‌برداری از حیوان منحصر به ذبح آن باشد. ذبح حیوان هم نباید زجرآور یا در معرض دید حیوانی دیگر باشد، از همین رو آدابی دارد که به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

- نیکی به حیوان هنگام ذبح

- آمادگی قصاب برای ذبح که باید کارد تیز داشته باشد.

- نهی از سلاخی بلافاصله پس از ذبح

- نفی کشتن حیوان مولد

- نفی کشتن حیوان باردار و نفی کشتن بدون دلیل

- نفی ذبح کردن در شب

- عدم کشتن به وسیله تیراندازی

پیامبر ﷺ فرمودند: «هیچ جاننداری را هدف تیراندازی خود قرار ندهید.» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰، ص ۱۰۷)

در اسلام شکار کردن برخی حیوانات در شرایط ویژه اجازه داده شده است، ولی اجازه داده نشده بی‌جهت و برای هوسرانی جاننداری هدف تیراندازی قرار گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، صص ۶۶۵-۶۶۰)

هرگاه شکار حیوانات سبب انقراض نسل گونه‌های حیوانات شود، حکومت باید شکار را ممنوع کند. (حسینی شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۵)

۵-۲- نگهداری

در آموزه‌های دینی، با در نظر گرفتن مصالح و مفاسد، درباره‌ی نگهداری برخی حیوانات در محل زندگی انسان توصیه‌هایی شده، چنان که از نگهداری برخی از آنها نهی شده است.

از حیواناتی که نگهداری آنها توصیه شده است گوسفند، شتر، اسب، گربه و از پرندگان، خروس و نوعی کبوترند و از نگهداری سگ در خانه نکوهش شده مگر در سگ شکاری و سگ همراه گله گوسفندان؛ در صورتی که سه نکته‌ی نظافت، طهارت و بهداشت درباره‌ی آن مراعات شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، صص ۶۴۷-۶۴۴)

۵-۳- تغذیه

از جمله حقوق حیوان بر انسان، برآوردن نیازهای اساسی آن از جمله آب و آذوقه است، زیرا حیوان برای برآوردن نیازهای خود زبان اظهار ندارد. حیوانی که در خدمت نیازهای آدمی است اگر از محیط زیست تغذیه می‌کند، مالک باید حیوان را برای تأمین نیازهای خود آزاد بگذارد و اگر آن محیط تغذیه ندارد، باید آب و

خوراک حیوان فراهم شود. حتی نباید شیر

حیوانی را که نوزاد دارد بدوشند،

زیرا شیر مادر سهم نوزاد

است و گر نه دچار ضعف می‌شود. هر حیوانی چه در اختیار انسان باشد یا نباشد و فایده برساند یا نرساند، اگر در تغذیه، حفظ و نگهداری نیازمند انسان باشد، انسان‌ها به حکم وظیفه‌ی شرعی و انسانی باید نیازهایش را تأمین کنند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، صص ۶۷۱-۶۷۲)

۵-۴- توجه به بهداشت و درمان حیوان

از جمله بایسته‌ها درباره‌ی حیوانات، رسیدگی به بهداشت آنهاست. زیستگاه آلوده و آب و خوراک ناسالم به سلامت آنها آسیب می‌رساند، حتی داروهای مورد نیاز حیوان نیز از نیازهای ضروری آنهاست و بر پایه احکام فقهی، مالک باید هزینه‌های درمان بیماری آنها را بپردازد.

۵-۵- توجه به استراحت حیوان

شایسته است که مسلمان در استفاده‌های گوناگون از حیوان به استراحت آن توجه کند و زمان و مکان مناسبی را برای استراحت آن در نظر بگیرد و هنگام استراحت آن به ویژه در شب از کاری که موجب سلب آسایش آن است پرهیزد. پیامبر ﷺ از چرانیدن حیوانات پیش از طلوع خورشید (در زمان استراحت حیوان) نهی کردند.

۵-۶- توجه به حق تولید مثل حیوان

انسان حق ندارد حیوانی را عقیم و آن را از حق تولید مثل محروم کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۶۸۲)
امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «پدرم امام باقر (علیه السلام) عقیم سازی چهارپایان و درگیر کردن آنها با یکدیگر و ایجاد زد و خورد آنها را ناپسند می‌داشت.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۵۲۲)

۶- پیامدهای بی‌توجهی به حقوق حیوانات

درباره‌ی حقوق حیوانات روایات فراوانی وارد شده که به حدود ۱۰۰ روایت می‌رسد.

حیوانات بخشی از جامعه طبیعی و زیست محیطی را تشکیل می‌دهند و در برقراری توازن در نظام طبیعت، نقش مؤثر و غیر قابل انکاری دارند.

حیوانات به مانند انسان‌ها از حقوق خاص خویش مانند حق حیات، حق درمان، حق آرامش، حق زیست جمعی، حق پرهیز از هر نوع خشونت، حق پرهیز از هرگونه نسل‌کشی، حق استفاده از حیات وحش و مانند آنها برخوردارند و هر گونه تعدی و تفریط نسبت به آنها یا حقوق آنها، به منزله‌ی نقض حقوق آنان محسوب شده و ضروری است مستوجب مسئولیت باشد. شعر معروف بوستان سعدی گویای همین مطلب است: میازار موری که دانه کش است، که جان دارد و جان شیرین خوش است، نشان از نگاه ادبی و فرهنگی جامعه‌ی ایرانی نسبت به حقوق حیوانات و ضرورت احترام به حیات وحش و حفظ حقوق حیاتی و زیست محیطی آنها دارد و آموزه‌های دینی و مذهبی و انتساب «ضامن آهو» به حضرت رضا (علیه السلام) نیز حکایت از مراتب یاد شده دارد.

یکی از نگرانی‌های مهم دانشمندان و طرفداران محیط زیست در روزگار ما نابودی نسل حیوانات و انواع گونه‌های حیوانی است که در حال انقراض‌اند. (سبزواری، بی‌تا، ص ۲۹۸)

اقدامات بشر در محیط زیست از جمله صید بی‌رویه‌ی حیوانات، کثیف و سمی کردن دریاها به وسیله‌ی ضایعات سمی یا قاچاق حیوانات و ... به نگرانی دانشمندان از انقراض حیوانات افزوده است.

بی‌توجهی به حقوق حیوانات علاوه بر آن که تعادل محیط زیست را بر هم می‌زند و باعث به خطر افتادن جان حیوانات و در نهایت باعث انقراض آنها می‌شود، غضب خدای متعال و پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) را به دنبال دارد؛ چرا که در مکتب اسلام سفارش‌ها و رفتارهای اعجاب‌انگیزی درباره‌ی ترحم بر جانداران بیان شده است تا جایی که ترحم بر حیوان موجب پاداش و آزار آن موجب عذاب اخروی می‌شود.

۷- نتیجه گیری

شگفتی‌های خلقت و طبیعت همواره آدمی را به تفکر وامی‌دارد و بستر معرفت‌های عمیق الهی را فراهم می‌نماید. خداوند در قرآن از حیوانات یاد می‌کند تا بشر نعمت‌های الهی را به فراموشی نسپارد یا به آنها مَثَل زده است که این امثال از مصادیق حکمت و

موعظه‌ی حسنه به حساب می‌آید.

در این مقاله سعی شده است در حد توان نگارنده درباره‌ی وجوه مختلف زندگی حیوانات از جمله آفرینش، نحوه زندگی، منافع حیوانات، لزوم درس‌آموزی و بهره‌گیری از آنها و احکام فقهی مربوط به آنان مباحثی آورده شود.

اجزای جهان ارتباط علی و معلولی بسیار عمیق، پیچیده و در هم تنیده‌ای دارند و این به آن معناست که شما نمی‌توانید به جزئی از این جهان آزاری برسانید مگر اینکه اثر این آزار، در سایر اجزای طبیعت نیز ظاهر خواهد شد، به طوری که اگر جزئی دچار لطمه شود، بقیه اجزا هم به نوعی دچار لطمه خواهند شد. هر گونه بی‌توجهی و بی‌احترامی به حقوق حیوانات، به معنای نقض آشکار قانون طبیعت، قوانین مربوط به حقوق بشر و محیط زیست و توهین و تجاوز نسبت به بشریت و حقوق آنها باید تلقی گشته و مورد برخورد جدی و حقوقی قرار گیرد.

باید طرفداران محیط زیست و مسئولین مرتبط، اقدامات بشر در محیط زیست از جمله صید بی‌رویه حیوانات، کثیف و سمی کردن دریاها، قاچاق حیوانات و ... را مورد ارزیابی و بررسی قرار دهند، علت را بررسی کنند و در صدد مرتفع کردن این اقدامات اشتباه بر آیند و آنها را مدیریت کنند.

همچنین ضروری است آموزش و اطلاع‌رسانی مستمر و مؤثر در این رابطه در سر فصل اصلی نظام آموزشی دانش‌آموزان، دانشجویان و فرهنگ‌سازی عمومی شهروندان و مسئولان در رسانه‌ها و مراجع علمی، فرهنگی، دانشگاهی و مدیریتی کشور قرار گیرد و بر آموزش، نظارت، حفظ و اجرای حقوق حیوانات و تضمین رعایت آنها نیز در طبیعت و جامعه تأکید گردد.

فهرست منابع

❖ قرآن کریم.

۱. انصاریان، حسین، **فرهنگ مهرورزی**، آرش مردانی پور - محمد جواد صابریان، چاپ چهارم، قم، دارالعرفان، ۱۳۸۵.

۲. پایانی، احمدعلی، **برگزیده**

تفسیر نمونه، ج ۲، چاپ سیزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.

۳. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، چاپ چهارم، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.

۴. جوادی آملی، عبدالله، **مفاتیح الحیاه**، محمد حسین فلاح زاده، یدالله مقدسی، کمال الدین عمادی، محمود لطیفی، جعفر آریانی، چاپ یازدهم، قم، اسراء، ۱۳۴۱ ه.ق.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۱، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ ه.ق.

۶. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، ج ۱۰، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ه.ق.

۷. حسینی شیرازی، محمد، **اسلام و محیط زیست**، عبدالمحمد حسینی - هادی پور دارا، چاپ اول، قم، یاس زهرا، ۱۳۸۷.

۸. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، ج ۶، تهران، چاپ سیروس، ۱۳۴۱.

۹. سبزواری، ملا اسماعیل، **مجمع النورین مشهور به حیوان**، چاپ اول، بی‌جا، انتشارات علمیه اسلامی، بی‌تا.

۱۰. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرين**، احمد حسینی، ج ۱، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.

۱۱. قدسی پور، محسن، **حیوانات در قرآن**، چاپ اول، قم، نشر براق، ۱۳۹۱.

۱۲. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، جواد علوی، ج ۷، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه.ق.

۱۳. مصطفوی، حسن، **تفسیر روشن**، ج ۱۴، چاپ اول، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ج ۵، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

۱۵. نجفی خمینی، محمد جواد، **تفسیر آسان**، ج ۱۰، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸ ه.ق.

16. www.hawzah.net.

اخبار و امکانات پژوهشی حوزه علمیه الزهرا (علیها السلام)

اخبار پژوهشی

❖ در سال تحصیلی ۹۵ - ۹۴، سومین دوره جشنواره استانی علامه حلی (علیه السلام) با موفقیت چشمگیر طلاب مدرسه علمیه الزهرا (علیها السلام) شیراز همراه بود. به گونه‌ای که از مجموع ۳۲ اثر برگزیده طلاب خواهر، ۱۸ رتبه برگزیده از طلاب این مدرسه بودند که طی مراسم با شکوهی در بهمن ماه سال ۹۵ در سالن اجتماعات شهر با حضور بزرگان و علمای شهر از آنان تقدیر به عمل آمد.

❖ در پنجمین مسابقه تحقیقات گروهی رشد (سال تحصیلی ۹۵ - ۹۴) تنها گروه شرکت‌کننده مدرسه علمیه الزهرا (علیها السلام) در این مسابقات، حائز رتبه اول استانی گردید.

❖ قبولی صد در صد طلاب این مدرسه در آزمون ورودی سطح ۳ حوزه‌های علمیه خواهران، از دیگر موفقیت‌های علمی و پژوهشی مدرسه در سال تحصیلی گذشته بود.

❖ برگزاری جلسات متعدد شورای علمی پژوهشی، جلسات دفاعیه و تصویب موضوعات و تصحیح طرح‌نامه‌ها، برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی و ... از دیگر فعالیت‌های حوزه در سال تحصیلی گذشته و جاری است.

کسب ۱۸ رتبه برگزیده از مجموع ۳۲ اثر برگزیده سومین جشنواره استانی علامه حلی توسط طلاب حوزه علمیه الزهرا (علیها السلام) شیراز؛ خاتم‌ها: راضیه رحیمی، هاجر سعید پور، راضیه سادات شکوفه چین، زهرا سهرابی موزیه حسن پور، سیده سارا کشفی، فاطمه پاکیزه، مریم تعبدی مزگان خلف زاده، سکینه جوکار، مانده حسن پور، پروین بردبار شهریانو بدیعی، زهرا بدیع الزمان، صدیقه شیبانی، مریم امیری و مریم رئیسی بد را به همه استاذ، کادر و طلاب محترم تبریک عرض می‌نماییم.

مدیریت حوزه علمیه الزهرا (علیها السلام) شیراز



امکانات پژوهشی

➤ کتابخانه حوزه علمیه الزهرا (ع)

این کتابخانه جزء غنی‌ترین کتابخانه‌های حوزوی خواهران در سطح استان فارس است که با داشتن بیش از ۱۲۰۰۰ نسخه کتاب در ۶۰۰۰ عنوان، هر روزه به جز پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها در ساعات اداری آماده خدمت‌رسانی به طلاب خواهر استان است.

قابلیت جستجو در رایانه و همچنین جستجوی دستی از طریق برگردان و یا جستجو از طریق سامانه کتابداری کوئرننت از ویژگی‌های این کتابخانه است.

➤ واحد رایانه

این واحد با دارا بودن ۸ رایانه متصل به اینترنت، کتابخانه جامع دیجیتال امام علی (ع) و ۹۵ نسخه از نرم‌افزارهای معتبر و مهم، ۴ روز در هفته در خدمت طلاب عزیز است.

علاوه بر آن در این واحد، بانک کامل اطلاعات تحقیقات درسی و پایانی که شامل فایل Pdf تمامی تحقیقات و مقالات طلاب این مدرسه می‌باشد، در اختیار طلاب قرار می‌گیرد.

همچنین برخی فایل‌های صوتی دروس و جزوات آموزش Word و Windows 7 از دیگر امکانات این واحد می‌باشد.



معرفی برخی سایت ها و وبلاک های پژوهشی

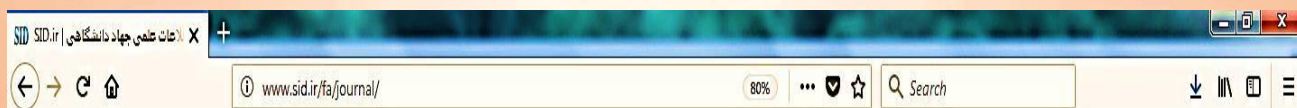
معرفی سایت جهاد دانشگاهی (SID)

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی با نام اختصاری SID و آدرس اینترنتی fa.journals.sid.ir یکی از منابع مقالات علمی است که با قابلیت جستجوی پیشرفته‌ای که دارد می‌توان به راحتی به فایل Pdf مقالات دسترسی پیدا کرد. در این پایگاه، نشریات مصوب علمی و پژوهشی در حیطه‌هایی مانند پزشکی، دامپزشکی، علوم انسانی و پایه، فنی و مهندسی، کشاورزی و معماری بارگزاری شده است.

روش استفاده از سایت SID

www.sid.ir/fa/journal/

۱- ابتدا در نوار آدرس، آدرس روبرو را تایپ می‌کنیم:



۲- سپس از طریق نوار بالایی صفحه، جستجوی پیشرفته را انتخاب می‌کنیم.



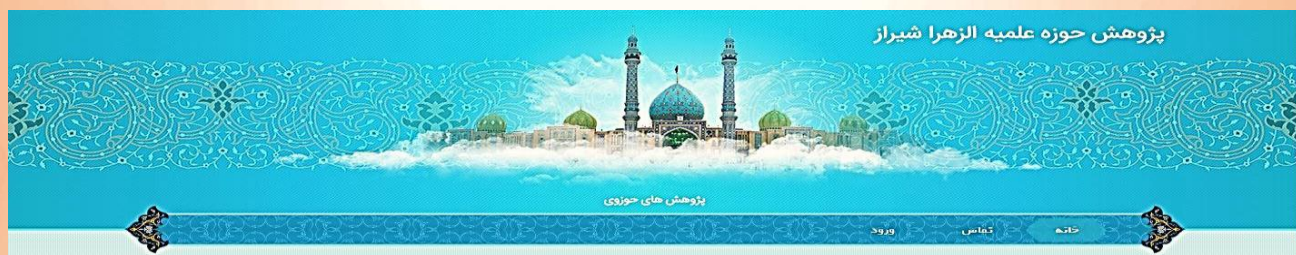
۳- در صفحه جستجوی پیشرفته که شامل: عنوان، کلید واژه، چکیده، نشریه، گروه، نویسنده و سال می‌باشد، کلمات مورد نظر خود را در ۳ قسمت طراحی شده برای هر کدام، وارد کرده و دکمه جستجو را می‌زنیم.



۴- سپس سایت مذکور، مقالات مورد نظر را پیدا کرده و ما با کلیک روی مقاله مورد نظر می‌توانیم چکیده آن و در صورت لزوم تمامی فایل مقاله که به صورت فایل Pdf است را دانلود کرده و استفاده کنیم.

معرفی وبلاگ پژوهش حوزه علمیه الزهرا علیها السلام

وبلاگ مستقل پژوهش حوزه علمیه الزهرا علیها السلام شیراز در اردیبهشت سال ۹۵ به صورت رسمی شروع به فعالیت کرده است.



این وبلاگ با نام «پژوهش حوزه علمیه الزهرا علیها السلام شیراز» و آدرس اینترنتی blog-213.kowsarblog.ir سامانه کوثر بلاگ که متعلق به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران است، فعالیت دارد. در این وبلاگ تمامی چکیده‌های تحقیقات پایانی به صورت موضوعی بارگزاری شده است که این موضوعات عبارتند از: تفسیر، اخلاق، کلام، فقه، تربیت، تاریخ، نهج البلاغه، روایی و موضوعات مرتبط با علوم انسانی. علاوه بر چکیده تحقیقات پایانی، چکیده مقالات برتر نوشته شده توسط طلاب این مدرسه نیز به صورت موضوعی طبقه‌بندی و بارگزاری شده که به راحتی قابلیت دسترسی دارد. اخبار کلی پژوهش، اخبار پژوهشی ویژه مدرسه، مطالب علمی - پژوهشی، جزوات و آیین نامه‌ها و برنامه‌های ساعات پژوهشی از دیگر عناوین و فصول این وبلاگ است که در نوار کناری وبلاگ قرار داده شده است.

قابلیت جستجوی موضوعی و کلید واژه‌ای و امکان کپی‌برداری و انتقال از دیگر ویژگی‌های این وبلاگ است.



سخنی با امام عصر علیه السلام

حال را باور کن اک دوست، حبیب در راه است

شب تمام است و بهشت دگرگ در راه است

موج تکرار گل نرگس چشمان تو است

عشق، تعبیر طلوع خم ابرو که تو است

دوریت بے پرو پروازک و بے تابے شبنمهاست

داغ هجر تو زمین خورده که این دنیا است

برزبان و دل شیدا که شقایق بفرست

برتن زخمے و طوفانے مهدک صلوات

سولماز مظفرک





تعلیم و تعلم برای خدا و این همه پاداش!

قال امام صادق (عليه السلام): مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعَىٰ فِي مَلَكُوتِ
السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا، فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ؛

هر کس برای خدا دانش بیاموزد و به آن عمل کند و به دیگران آموزش دهد، در ملکوت آسمانها به بزرگی یاد شود و گویند: برای خدا آموخت و برای خدا عمل کرد و برای خدا آموزش داد.

الذریعه الی حافظ الشریعه (شرح اصول کافی)، ج ۱، ص ۵۶